

یوسف

سلام القدر علیها

نایدای فاطمه زهرا

در چهل حدیث

تالیف

محمد خادمی شیرازی

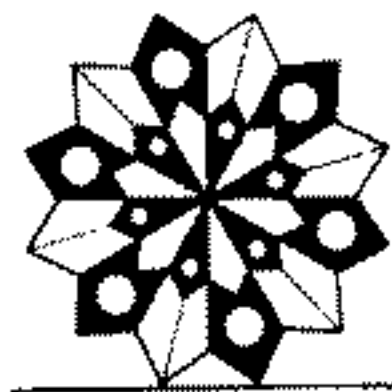
یوسف

اسلام العربیہ علیہا

نامدای فاطمہ ہر

درجہل حدیث

تالیف
محمد خاومی شیرازی



شرکت انتشارات میقات

نام کتاب: یوسف ناپیدای فاطمه (س) در چهل حدیث

مؤلف: محمد خادمی شیرازی

ناشر: شرکت انتشارات میقات: آدرس: خیابان انقلاب - بازارچه کتاب - شماره ۱۳ تلفن: ۶۶۰۳۰۳

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۷۰

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه (نوبت اول)

لیتوگرافی: آرش

چاپ: کلینی



فهرست کتاب (یوسف ناپیدای فاطمه در چهل حدیث)

- ۱۱ حدیث اول : رسول اکرم (ص) و معرفی امام عصر (ارواحنا له الفداء)
- ۱۱ حدیث دوم : رسول اکرم (ص) و خبر دادن از قیام امام عصر (عج)
- ۱۲ حدیث سوم : رسول اکرم (ص) و مقام امام عصر ارواحنا فداه
- ۱۳ حدیث چهارم : رسول اکرم (ص) و بشارت به ظهور عدالت گستر
- ۱۴ حدیث پنجم : رسول اکرم (ص) و قیام امام عصر (ع)
- ۱۵ حدیث ششم : رسول اکرم (ص) درباره امتحان شیعه
- ۱۹ حدیث هفتم : رسول اکرم (ص) و مباحثات به وجود حضرت مهدی (عج)
- ۲۳ حدیث هشتم : رسول اکرم (ص) و کیفیت ظهور
- ۲۴ حدیث نهم : رسول اکرم (ص) و بشارت به قیام قائم (عج)
- ۲۶ حدیث دهم : امام عصر (ع) در حدیث معراج پیامبر (ص)
- ۲۹ حدیث یازدهم : بیان شریف امیرالمؤمنین در بیان نسب شریف مهدی (ع)
- ۳۰ حدیث دوازدهم : دولت کریمه مهدی (ع) به بیان امیرالمؤمنین (ع)
- حدیث سیزدهم : فرموده امیرمؤمنان درباره سلسله حجتهای خداوند
و امام عصر (ع)
- ۳۱
- ۳۳ حدیث چهاردهم : وظائف شیعیان در زمان غیبت به بیان علی (علیه السلام)
- ۳۴ حدیث پانزدهم : پاره‌ای از وقایع قبل از ظهور به بیان امیرالمؤمنین (ع)

- ۳۵ حدیث شانزدهم : امیرالمؤمنین و خبر از ظهور
- ۳۶ حدیث هفدهم : پیش بینی امیرالمؤمنین درباره قبل از ظهور
- ۳۸ حدیث هجدهم : بیان امیرالمؤمنین در سفارش به تبعیت از امام عصر (عج)
- ۴۰ حدیث نوزدهم : امیرالمؤمنین و بیان حال دین قبل از ظهور امام (ع)
- ۴۱ حدیث بیستم : صفات امام عصر (ع) به بیان امیرالمؤمنین (ع)
- حدیث بیست و یکم : بشارت امام حسین (ع) در صفات مهدی (ع) به نقل از
- ۴۲ رسول خدا (ص)
- ۴۶ حدیث بیست و دوم : امام باقر و بشارت به قیام مهدی (علیه السلام)
- ۴۶ حدیث بیست و سوم : امام باقر (ع) و توصیف اصحاب حضرت مهدی (ع)
- حدیث بیست و چهارم : خبر امام باقر (ع) در لزوم اطاعت از امام عصر (ع) در
- ۴۷ غیبت و ظهور
- ۵۰ حدیث بیست و پنجم : خبر حرکت سپاه آنحضرت به بیان امام باقر (ع)
- ۵۱ حدیث بیست و ششم : امام صادق (ع) درباره قیام امام عصر (ع) با شمشیر
- حدیث بیست و هفتم : بیان بشارت جبرئیل درباره امام عصر (ع) به بیان امام
- ۵۲ صادق (علیه السلام)
- ۵۳ حدیث بیست و هشتم : امام صادق و بیان شباهت امام عصر (ع) با یوسف (ع)
- حدیث بیست و نهم : امام صادق (ع) و خبر توفیق امام عصر (ع) در اجرای
- ۵۵ عدل

- ۵۷ حدیث سی‌ام : لزوم و تاکید در معرفت امام عصر به بیان امام صادق (ع)
- ۵۹ حدیث سی‌ویکم : بیان امام صادق (ع) در تفسیر سخن کسری بزرگ فارس
- ۶۱ حدیث سی‌ودوم : پیراهن مخصوص امام عصر (ع) در خبر امام صادق (ع)
- ۶۳ حدیث سی‌وسوم : شعاع حکومت مهدی (علیه السلام) در بیان امام صادق (ع)
- حدیث سی‌وچهارم : بیان امام صادق در عالمگیر بودن حکومت مهدی (ع) و
 قتل کافران
- ۶۵ حدیث سی‌وپنجم : بشارت امام صادق (ع) در باره اصحاب حضرت قائم
 (ارواح نافذاه)
- ۶۶ حدیث سی‌وششم : برنامه حکومت امام عصر (ع) به بیان امام رضا (ع)
- ۶۸ حدیث سی‌وهفتم : بیان امام جواد در اوصاف امام عصر (عج)
- ۷۱ حدیث سی‌وهشتم : امام جواد (ع) و قیام امام عصر (ع)
- ۷۵ حدیث سی‌ونهم : ارتداد و بیدینی مردم در غیبت امام عصر (ارواح نافذاه)
- ۷۷ حدیث چهلیم : امام حسن عسکری (ع) و اهمیت شناخت امام عصر (ع)
- ۷۹

پیشگفتار مؤلف :

یکی از آرزوهای دیرینه‌ام این بود که کتابی در چهل حدیث در رابطه با حضرت (بقیة الله) روحی لتراب مقدمه الفداء بنویسم که شاید از برکات این احادیث تفضلاً و تکرماً نام این ناچیز هم در دفتر مربوط به این حدیث ثبت گردد، که از وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند که فرمود :

« مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَحْتَاجُونَ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَفِيهَا غَالِمًا »^۱

« یعنی هرکس از امت من چهل حدیث را حفظ کند، روز قیامت در زمره علماء ربانی قرار میگیرد. » باین امید فکر کردم که چه بهتر که این چهل حدیث درباره عزیز فراموش شده رسول خدا و یوسف از نظر پنهان حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشد، که همانا حضرت «حُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ» ارواحنا له الفداء می باشند. لذا با استمداد از پیشگاه مقدسشان و با التماس قلم بدست گرفته و با دستهای لرزان و نداشتن سرمایه، شروع بنوشتن این کتاب شد، امید است با عطاء یک قطره از اقیانوس بی پایان دانش خودشان، دوستان مخلص اهل بیت از این کتاب از باب تذکر و یاد آوری بهره‌مند شوند. انشاء الله

۱. وافق، ج ۱، ص ۳۸، باب صفة العلم.

حدیث اول

حضرت رسول اکرم (ص) و معترفی

حضرت ولی عصر روحی له الفداء

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَحْنُ
بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: رَسُولُ اللَّهِ وَ حَمْرَةُ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَ
جَعْفَرُ ذُو الْجَنَاحَيْنِ وَ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ.

انس فرزند مالک می گوید: رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش
باد) گفتند: ما فرزندان عبدالمطلب آقایان و سروران اهل بهشت می باشیم:
اول من هستیم، بعد حمزه که سیدالشهداء است (عموی بزرگوار پیامبر) و
جعفر (برادر حضرت علی علیه السلام) که با دو بال پرواز می کند و علی و
فاطمه و حسن و حسین و مهدی (علیهم السلام) می باشند.^۱

حدیث دوم

رسول اکرم (ص) و خبر دادن

از قیام حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

بِأَسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)
قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ
الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَى وَ مَنْ

تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكٌ . اللَّهُ اللَّهُ ، عِبَادَ اللَّهِ ، فَأَتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِي .

مرحوم نعمانی باسناد تمیمی آورده است که ، حضرت رضا علیه السلام از
پدران گرامیشان نقل فرموده‌اند که آقای ما رسول خدا (صلی الله علیه و آله)
فرموده‌اند : روز قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه قائم بحق قیام کند که البته او
از فرزندان من است و این امر وقتی محقق می‌شود که خداوند باو و یارانش
اجازه قیام مرحمت فرماید و هر کس که از وی اطاعت کند نجات پیدا کرده و
آنکسیکه سرپیچی نماید نابود خواهد شد ، از خداوند بترسید ، از خداوند
بترسید ای بندگان خدا ، بسوی او < مهدی علیه السلام > بشتابید ولو اینکه از
روی برفها عبور کنید ، زیرا او جانشین خداوند و نماینده من است .^۱

حدیث سوّم

رسول اکرم (ص) و مقام

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله

عَنْ رُفَاعَةَ ابْنِ مُوسَى وَ مُعَاوِيَةَ ابْنِ وَهَبٍ عَنِ الْفَضْلِ ابْنِ شاذَانَ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ : قَالَ : رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ
سَلَّمَ : طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ
وَ يَتَّبِرُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ يَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَ ذُؤُودِي

وَمَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ . < قَالَ رُفَاعَةُ > وَ أَكْرَمُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَيَّ .

رفاعة پسر موسی و معاویه فرزند وهب هر دو از جناب فضل ابن شاذان از حضرت صادق علیه السلام نقل میکنند، که حضرتش فرمود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خوشا به حال کسی که زمان ظهور فرزندم حضرت قائم از اهل بیت مرا درک می کند و حال آنکه پیش از قیامش از فرمانش پیروی میکرده، دوستانش را دوست داشته و از دشمنانش بیزاری میجوید و امامان هدایتگر پیش از او را نیز دوست میدارد و آنان را سرپرست خود میداند، بلی این چنین کسانی، رفیقان و دوستان و صاحبان محبت من هستند و گرامی ترین گروه امت نزد من. (بروایة رفاعة) گرامی ترین خلق خدا نزد من هستند.^۳

حدیث چهارم

بشارت آورنده اسلام (رسول گرامی)

درباره امام عصر (عج)

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):
أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ، يَمَلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ نِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ
سَاكِنُ الْأَرْضِ.

از ابی سعید خدری روایت شده که حضرت خاتم الانبیاء (که درود خدا بر

او و خاندانش باد) فرمودند: بشارت میدهم شما را به آمدن مهدی که در میان پیروان و امت من مبعوث می شود در حالتیکه اختلاف و تزلزل در تمام ابعاد در میان مردم دیده می شود او قیام می کند و جهان را پر از عدل و داد میکند بعد از پر شدنش از ظلم و جور موجودات آسمانها و آبنهائیکه در کره زمین هستند از حکومت او راضی هستند.

خواننده عزیز! معلوم می شود که شعاع فرمانروائی عدالت پرور آنحضرت آنچنان وسعت دارد که همه کهکشانشا و تمام کرات را فرا میگیرد و همچنین بساط ننگین ظلم و ستم از سرتاسر جهان وجود جمع می شود.

حدیث پنجم

بشارت آورنده اسلام

بقیام حضرت مهدی روحی له الفداء

عَنْ أَبِي الْجَحَافِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ، قَالَ ثَلَاثًا يَخْرُجُ عَلَى حِينِ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ شَدِيدٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ.

از ابی الجحاف نقل شده است که، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سه بار فرمودند: بشارت باد شما را به مهدی (علیه السلام) و قیام او. پس او خارج می شود در حالتیکه مردم در اختلاف و دگرگونی شدید در زندگی خویش بسر

می برند. جهان را پر از عدالت و دادگری مینماید، همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد. دل‌های بندگان خداوند از بندگی او لبریز می شود و پهنه عدالتش جهان وجود و دل‌های مردم را فرا میگیرد.

حدیث ششم

خبر پیامبر اکرم از امتحان شیعه و گونه بهره‌وری

از امام عصر (علیه السلام) در زمان غیبت

وَ فِي الْأَحَادِيثِ الْأَرْبَعِينَ لِلشَّيْخِ بَهَاءِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ صَاحِبِ كَشْكُولٍ رَحِمَهُ اللَّهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لِأَوْلِيَائِهِ الْإِنْتِفَاعُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ فَآكُتْمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ.

در کتاب اربعین شیخ بهائی، جابر جعفی (ره) از صحابی والاتبار،

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که وی گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: مهدی از فرزندان من است و کسی است که خداوند بدست او

شرق و غرب عالم را می‌گشاید < حکومت اسلام و اهل بیت علیهم السلام را پیاده می‌کند > و این همان آقائی است که از دوستانش پنهان می‌گردد، آنهم چنان غیبتی که بر امامتش ثابت قدم نمی‌ماند مگر آنهاییکه از نظر باطن و قلب امتحان شده باشند. می‌گویند عرض کردم، ای رسول خدا آیا دوستانش در غیبت او از وجودش بهره می‌برند؟ فرمودند به آن خدائیکه مرا برسالت برانگیخته است که پیروان آنحضرت در زمان غیبت از او استفاده می‌کنند چنانکه مردم از نور خورشید هنگام پنهانیش بزیر ابرها از آن بهره‌مند می‌شوند، ای جابر این از اسرار بزرگ خداوند و گنجینه علم اوست، آنرا از افراد نااهل پوشیده بدار!

تشبیه وجود مقدس امام عصر روحی له الفدا بخورشید پنهان دارای نکات دقیق و پرارزشی است:

<<۱>> حیات و زندگی تمام موجودات جهان هستی وابسته بخورشید و نور است و اگر آفتاب بر موجودات نتابد تمام سرمایه‌های زندگی نابود خواهد شد.

<<۲>> جهان برای رسیدن به کمال آفریده شده و راهنمای آن نور است اگر خورشید بر جهان نورافشانی نکند هدف اصلی خلقت (تکامل) تحقق پیدا نمی‌کند و موجودات آن راه کمال را گم می‌کنند.

<<۳>> خورشید وقتی زیر ابر پنهان می‌گردد حالت انتظاری در تمام

موجودات بوجود می‌آید آری همه می‌خواهند خورشید بیرون بیاید و جسم سرد موجودات عالم را گرم کند و آنها را در مسیر کمال قرار بدهد.

<<۴>> خواننده ارجمند جهان خلقت پیوسته در انتظار رسیدن بکمال است و تنها کسی که در تمام ابعاد میتواند مسیر کمال موجودات را تعیین و با قدرت بینهایت خداوند آنها را رهبری کند، خورشید پنهان از نظر حضرت زهرا (سلام الله علیها) یعنی <حضرت بقیه الله فی الارضین، حجة ابن الحسن العسکری روحی له الفدا است>. از این سبب است که نیای امجد وی، وجود عزیزش را بخورشید پنهان تعبیر فرموده‌اند و دیگر اینکه همه مردم جهان مخصوصاً پیروان مذاهب مختلف دنیا در انتظار مصلحی بسر می‌برند و چشم بافق امید و لطف حق دوخته‌اند.

<<۵>> خورشید در وقت پنهانیش، چه بسا ظهوری آنی خواهد داشت، وقت معینی برای آن تعیین نشده است و هر لحظه امکان ظهور آن می‌رود. خورشید درخشان امامت نیز چنین است، طبق آیات شریفه قرآن و روایات، امر ظهور آنحضرت ناگهانی خواهد بود و نیز در روایات بیشمار فرموده‌اند که (یصلح امره فی لیلۃ) یعنی خداوند در یک شب امر قیامش را امضاء می‌فرماید لذا پیوسته، منتظرین ظهور آنحضرت در انتظار صدور آن فرمان دقیقه شماری می‌کنند.

<<۶>> خورشید در عین پنهانی جهان را از تاریکی نجات می‌دهد و راه را

برای موجودات و حیات آنها هموار می‌کند، وجود نازنین و عزیز حضرت بقیةالله در عین غائب بودن با تجلیات خودش و نور افشانی‌های گوناگون، افراد جویای حق، همچنین شیعیان و مصالح حیاتی آنها را زیر نظر قرار داده و امر آنها را اصلاح میکند و هرکجا گرفتاری، دست نیاز بسوی آنحضرت دراز کند بی‌درنگ دستش را میگیرند و بکمک او می‌شتابند دلیل بر مدّعی عرض ما، سرگذشت هزاران هزار متوسلینی می‌باشد که بذیل عنایت و دستگیری حضرتش مشرف شده‌اند و مشروح آنها را در کتابهای معتبر بزرگانمان میتوان دید.

<<۷>> خورشید هنگام بیرون آمدنش از پس ابرها ناگهان قیافه جهان را تغییر می‌دهد و نور خود را در تمام عالم و زوایای جهان پخش میکند و دیگر از تاریکی اثر و نشانی نمی‌ماند.

وجود مبارك حضرت بقیةالله روحی له‌الفدا در ظهورشان ظلمت و تاریکی در تمام ابعاد زندگی را، آری تاریکی ستم، ظلمات فقر، بی‌عدالتی، جهل‌ونادانی، عدم‌امنیت و آسایش را یکسره از جهان برمی‌دارد و به تعبیر قرآن و روایات عالم را پراز عدل و داد می‌کند، دیگر از شرك و کفر در تمام نقاط عالم خبری نخواهد بود و حکومت جهانی اسلام مانند خورشید در تمام زوایای زندگی عموم مردم از جنگل نشینهای آفریقا گرفته تا کاخ نشینان اروپا نورافشانی میکند و برخلاف آنچه بعضی نوشته‌اند همه مردم زیر پرچم اسلام و

اهلبيت سلام الله عليهم اجمعين قرار گرفته و از اديان ديگر خبرى نخواهد بود.

حديث هفتم

مباهات رسول اكرم صلى الله عليه وآله

بوجود مبارك حضرت مهدي عليه السلام

عَنْ عَلِيِّ ابْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَهُوَ فِي الْحَالَةِ الَّتِي قُبِضَ فِيهَا فَإِذَا فَاطِمَةُ (ص) عِنْدَ رَأْسِهِ فَبَكَتُ حَتَّى ارْتَفَعَ صَوْتُهَا فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِلَيْهَا رَأْسَهُ فَقَالَ حَبِيبَتِي فَاطِمَةُ مَا الَّذِي يُبْكِيكِ فَقَالَتْ: أَخْشَى الضَّيْعَةَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ: يَا حَبِيبَتِي أَمَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَاخْتَارَهَا مِنْهَا أَبَاكَ فَبَعَثَهُ بِرِسَالَتِهِ ثُمَّ اطَّلَعَ إِطْلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا بَعْلَكَ وَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ أَنْكِحُكَ إِتَاهُ يَا فَاطِمَةُ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَعْطَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدًا قَبْلَنَا وَ لَا يُعْطَى أَحَدًا بَعْدَنَا أَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ وَ أَكْرَمُ النَّبِيِّينَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَحَبُّ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَنَا أَبُوكَ وَ وَصِيَّي خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ بَعْلُكَ وَ شَهِيدُنَا خَيْرُ الشُّهَدَاءِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ حَمْرَةُ ابْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَمُّ أَبِيكَ وَ عَمُّ بَعْلِكَ وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَ هُوَ ابْنُ عَمِّ أَبِيكَ وَ أَخُو بَعْلِكَ وَ مِنَّا سِبْطُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمَا

إِبْنَاكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُمَا وَ الَّذِي
 بَعَثَنِي بِالْحَقِّ خَيْرٌ مِنْهُمَا يَا فَاطِمَةُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيَّ
 هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا ضَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ انْقَطَعَتِ
 السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِرُ
 كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُلْفًا
 يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمتُ بِهِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ
 عَدْلًا كَمَا مِلتُ جَوْرًا.

يا فَاطِمَةُ لَا تَحْزَنِي وَ لَا تَبْكِي فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْحَمُ بِكَ وَ أَرَأْفُ عَلَيْكَ
 مِنِّي وَ ذَلِكَ لِمَكَانِكَ مِنِّي وَ مَوْفِعِكَ مِنِّي قَلْبِي ، قَدْ زَوَّجَكَ اللَّهُ زَوْجَكَ وَ هُوَ
 أَعْظَمُهُمْ حَسَبًا وَ أَكْرَمُهُمْ مَنْصَبًا وَ أَرْحَمُهُمْ بِالرَّعِيَّةِ وَ أَعْدَلُهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَ
 ابْصُرْهُمْ بِالْقَضِيَّةِ وَ قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تَكُونِي أَوَّلَ مَنْ يُلْحَقُنِي مِنْ
 أَهْلِ بَيْتِي قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمْ تَبْقَ فَاطِمَةُ بَعْدَهُ إِلَّا خَمْسَةٌ وَ
 سَبْعِينَ يَوْمًا حَتَّى أَلْحَقَهَا اللَّهُ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

علی فرزند هلال از پدرش نقل می کند که وارد شدم بر رسول خدا (صلی
 الله علیه و آله) آنهم در آخرین لحظات حیات شریفش در حالیکه فاطمه زهرا
 (علیها سلام) کنار بالین شریفش نشسته و با صدای بلند گریه می کرد. رسول
 اکرم (صلی الله علیه و آله) سر را بلند کردند و فرمودند حبیبه من فاطمة چرا
 گریه می کنی؟ عرض کرد بابا می ترسم که بعد از شما ضایع شوم (و احترام

مرا از بین ببرند) فرمودند ای عزیزه من آیا نمیدانی که خداوند نظری بعالم هستی فرمودند و از میان همه پدرت را برگزید و سپس او را بعنوان خاتم انبیاء برسالت مأمور فرمود.

در مرتبه دوم نگاهی به جهان پهناور خلقت فرمود و از میان همه مردم شوهرت را انتخاب فرمود و بمن فرمان داد که شما را بعقد او درآورم ای فاطمه ما اهلبیتی هستیم که خداوند عزوجل ما را به هفت چیز برتری داده و فضیلت بخشیده است که پیش از ما به هیچ کس داده نشده و بعد از ما نیز به کسی داده نخواهد شد، (نه پیش از ما و نه بعد از ما).

۱ - من آخرین پیامبران خدا و بهترین فرستادگان او در پیشگاه مقدسش می باشم و او جلّت عظمته مرا از تمامی بندگان خویش بیشتر دوست میدارد و من پدر تو هستم.

۲ - جانشین من بهترین اوصیاء است و محبوبترین آنها نزد خداوند است و او (علی علیه السلام) شوهر شما می باشد.

۳ - شهید ما برترین شهداء است و از همه آنها در پیشگاه خداوند محترم تر است و او (حمزة ابن عبدالمطلب) عموی پدر و عموی شوهر شماست.

۴ - و از ماست کسی که در بهشت بوسیله دو بال بهمراهی فرشتگان پرواز می کند، به هر کجا که بخواهد و او پسر عم تو و برادر شوهر شماست (جعفر ابن ابیطالب) علیه السلام.

۵ - و از ما هستند دو شخصیت بزرگ این امت یعنی (حسن و حسین) علیهم السلام که فرزندان شما می باشند. اینان سرور و آقای جوانان اهل بهشت هستند، و بحق خداوندی که مرا برسالت مبعوث فرموده است، پدر ایشان از آنها بالاتر است.

۶ - ای فاطمه بحق آن خدائیکه مرا بدرستی مبعوث فرموده که مهدی این امت از اینهاست و او از فرزندان شماست، پس هر گاه دنیا پر هرج و مرج شود و فتنه ها از هر سو ظاهر گردد و راهها بسته شود (مانند بسته شدن راه حج و عتبات عالیات) و بعضی بر بعضی دیگر هجوم می برند، بزرگان به افراد کوچک رحم نمی کنند و افراد کم سن و سال نیز به بزرگترها احترام نمی گذارند. هم در این هنگام است که خداوند مهدی ما (علیه السلام) را می فرستد تا پایگاههای گمراهی را در هم شکسته و حجاب دلهای محجوب را بگشاید و غافلان را بیدار فرماید، او قیام می کند و بوسیله این دین و آئین حیاتبخش زمین را در انتهای زمان پر از عدل و داد نماید همانگونه که من در آخر زمان جاهلیت و بی خبری قیام نمودم و این زمانی است که زمین از ظلم و جور پر شده باشد *

ای فاطمه محزون مباش و گریه مکن که خداوند متعال بمراتب نسبت به شما

ه بدیهی است که مفخرة هفتم اهل بیت پیامبر(ص)، وجود نازنین حضرت زهرا(س) می باشند که سیده زنان عالم هستند.

از من مهربانتر و رحیم‌تر است و البته این بخاطر والائی مقام شما نزد من و جایگاه شما در قلب من است، خداوند همسری بشما لطف فرموده که از نظر مقام و حسب و نسب از همه بالاتر و نسبت برعیت و زبردستان از همه مردم رحیم‌تر است.

فاطمه جانم من از پروردگام تقاضا کردم که شما اولین کسی باشید که در جهان ابدی بمن ملحق شوید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند بعد از رسول اکرم فاطمه (علیها السلام) بیش از هفتاد روز و اندی در این دنیا نماندند و به پدر بزرگوارشان پیوستند.

خواننده گرامی مگر آنان که مدعی خلیفة اللہی بودند، بادختر پیامبر چه رفتاری نمودند و فاطمه عزیز از چه چیز بعد از وفات پدر، وا همه داشتند که به هنگام خبر مرگ خویش، خوشحال شدند!؟ خداوند دشمنان او را لعنت فرماید و عذابشان را مضاعف نماید.^۷

حدیث هشتم

کیفیت ظهور حضرت بقیة اللہ

از زبان مبارک رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم

و فی <<البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان>> (ب ۱) أَخْرَجَ أَبُو نَعِيمٍ وَ الْخَطِيبُ فِي تَلْخِيسِ الْمُتَشَابِهِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي إِنَّ هَذَا مَهْدِيُّ
فَاتَّبِعُوهُ .

کتاب برهان در نشانه‌های مهدی آخرالزمان ،

آورده که : ابونعیم و خطیب با مختصر تفاوتی از فرزند عمر نقل کرده‌اند که
رسول بزرگوار اسلام فرمودند مهدی بیرون می‌آید در حالتیکه یکی از ملائکه
بالای سر او قرار گرفته و فریاد میزند : >> این است مهدی (آل محمد) پس
او را متابعت کنید . <<

حدیث نهم

بشارت رسول اکرم بقیام

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ
مُسْتَبْشِرٌ يَضْحَكُ مَسْرُورًا فَقَالَ لَهُ النَّاسُ أَضْحَكَكَ اللَّهُ سَنَّاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ
زَادَكَ سُورًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ يَوْمٍ وَ لَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَ لِي فِيهَا
تُحْفَةٌ مِنَ اللَّهِ ، أَلَا وَ إِنَّ رَبِّي أَنْحَفَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِتُحْفَةٍ لَمْ يَتَّحَفَنِي
بِمِثْلِهَا فِيمَا مَضَى ، إِنَّ جَبْرَائِيلَ آتَانِي فَأَقْرَأَنِي مِنْ رَبِّي السَّلَامَ وَ قَالَ يَا
مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ اخْتَارَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ سَبْعَةً لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ
مَضَى وَ لَا يُخْلَقُ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ بَقِيَ ، أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيُّ
ابْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ صِيُوكَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سِبْطَاكَ سَيِّدُ

الْأَسْبَاطِ وَ حَمْرَةَ عَمَّكَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعْفَرُ ابْنُ عَمِّكَ الطَّيَّارُ فِي الْجَنَّةِ
يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَ مِنْكُمْ الْقَائِمُ يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ
إِذَا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيَّةِ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ .

از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند که روزی رسول اکرم (صلی
الله علیه و آله) مسرور و خندان بیرون آمدند، مردم عرض کردند ای رسول
خدا، خداوند شما را همیشه خندان قرار دهد و بر سرور شما بیفزاید. پیامبر
فرمودند هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه، از طرف خداوند بزرگ برای من
تحفه‌ای میرسد اما امروز یک تحفه‌ای بمن عنایت شده که در گذشته نظیر
نداشته است آری، امروز جبرئیل (علیه السلام) بر من نازل شد و از جانب
خداوند بزرگ بمن سلام رسانیده گفت: (ای محمد) خداوند از بنی هاشم
هفت نفر را انتخاب فرمود که مانند آنها نه در گذشته و نه در آینده خلق
نفرموده:

- ۱ - یا رسول الله شما سرور و مهتر همه پیامبران هستید.
- ۲ - علی بن ابیطالب جانشین شما، سرور همه اوصیاء الهی است.
- ۳ و ۴ - حسن و حسین فرزندان شما و مهتر و بزرگ همه بزرگزادگان
(اسباط) هستند.
- ۵ - حمزه عموی شما و سرور همه شهیدان است.
- ۶ - جعفر پسر عموی شما که پروازکننده است و بهمراهی ملائکه بهر کجای

بهشت که بخواهد پرواز می کند .

۷ - و از جمله آن هفت وجود مقدس قائم (علیه السلام) است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز میخواند ، هنگامیکه خداوند او را از آسمان بزیر آورد .

همانا او (قائم علیه السلام) از فرزندان علی و فاطمه و از اولاد حسین است !

حدیث دهم

حدیث معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و حضرت قائم (علیه السلام) و برنامه های حکومت آنحضرت

عَنِ الْمُفَضَّلِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ) : لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ ، فَقَالَ : يَا
مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا وَ شَقَقْتُ
لَكَ مِنْ إِسْمِي إِسْمًا ، فَأَنَا الْمُحَمَّدُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ ، ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ
فَأَخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيًّا وَ جَعَلْتُهُ وَصِيَّكَ وَ خَلِيفَتَكَ وَ زَوْجَ ابْنَتِكَ وَ أَبَا ذُرِّيَّتِكَ وَ
شَقَقْتُ لَهُ إِسْمًا مِنْ أَسْمَائِي فَأَنَا الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَ هُوَ عَلِيُّ وَ جَعَلْتُ فَاطِمَةَ وَ
الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُورِ كُما ، ثُمَّ عَرَضْتُ لِأَيَّتِهِمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ
قَبِلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ، يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ

يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَنَابِي جَاهِدًا لِوَلَايَتِهِمْ مَا أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِي وَ لَا أَظَلَلْتُهُ
تَحْتَ عَرْشِي ، يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ : قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّي فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ
ارْفَعْ رَأْسَكَ ، قَالَ : فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَأَذَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى
ابْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ
ابْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ ابْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دَرِيٌّ قُلْتُ يَا
رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ : هَؤُلَاءِ الْأَيْمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَ
يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي
قُلُوبَ شَيْعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاهِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى
طَرِيقَيْنِ فَيُحْرِقُهُمَا ، فَلَفِئْتُهُ النَّاسَ بِهِمَا يَوْمَئِذٍ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ
السَّامِرِيِّ .

مفضل بن عمر از حضرت صادق (علیه السلام) از پدر گرامیشان امام باقر
بنقل از پدران گرامیشان از امیر مؤمنان (علیهم السلام) روایت می کند که
رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند در شبیکه مرا بمعراج بردند از
جانب پروردگرم بسویم وحی شد که : (ای محمد همانا من بر زمین نظر
نموده و ترا از آن اختیار کردم و پیامبر خویش قرار دادم ، از اسم خودم ، نامی
برایت گرفتم ، پس منم محمود و توئی محمد (صلی الله علیه و آله) پس از آن
بار دیگر نظری نمودم و علی را اختیار نمودم و او را جانشین و خلیفه تو ،

شوهر دخترت و پدر ذریه تو قرار دادم و برای او نامی از نام خود گرفتم ، پس من هستم علی الاعلی و اوست علی (علیه السلام) و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو نفر قرار دادم ، سپس ولایت و سرپرستی ایشان را بر فرشتگان عرضه نمودم ، همانا هر که آن سرپرستی و محبت و دوستی ایشان را پذیرفت نزد من از مقربان و نزدیکان بشمار آمد . ای محمد اگر بنده‌ای از بندگان من مرا عبادت نماید تا آنکه از فرط عبادت و خستگی و ناتوانی از آن بریده شود و بسان انبانی کهنه و پلاسیده تحلیل رود و با اینحال مرا ملاقات نماید در حالی که سرپرستی ایشان را منکر بوده ، ولایتشان را نپذیرفته باشد ، او را در بهشت خویش جای نداده و در سایبان عرش خویش قرار نمیدهم . ای محمد آیا دوست داری ایشانرا ببینی ؟ پس عرض کردم : بلی ای پروردگار من . (پس فرمود سر خویش را بالا کن) پس به بالا نظر نمودم و در این هنگام انوار علی - فاطمه - حسن و حسین و علی ابن الحسین و محمد ابن علی و جعفر ابن محمد و موسی ابن جعفر و علی ابن موسی و محمد ابن علی و علی ابن محمد و حسن ابن علی و حجة ابن الحسن القائم را در حالتیکه حضرت در وسط آنها همانند ستاره‌ای درخشانده و فروزان می‌درخشید ، دیدم . عرض کردم خداوندا اینها کیانند ، خطاب رسید : اینها ائمه هستند و این است قائم که بوسیله او حلال من حلال و حرام حرام خواهد شد (یعنی احکام الهی انجام میشود) و بوسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم و اوست که در سایه وجودش دوستان من

آسایش پیدا می‌کنند و دل‌های شیعیان را بوسیله او شفاء پیدا می‌کند از ستمگران و منکرین حق و کفار، لات و عزّی را برهنه از قبر بیرون میکشد و آنها را آتش میزند، فتنه این دو نفر از فتنه گوساله پرستیدن سامری سخت‌تر خواهد بود.^۱

حدیث یازدهم

معرفی امام مهدی و اینکه فرزند

امیرالمؤمنین است

(وَ رَوَى) الْفَضْلُ ابْنُ شاذَانَ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ وُلْدِي الَّذِي يُقَالُ مَاتَ (أَوْ) قُتِلَ، لَا بَلْ هَلَكَ لَا بَلْ بَائِي وَاِدٍ سَلَكَ.

احمد بن عیسی‌ای علوی از پدرش از جدش نقل می‌کند که فضل بن شاذان روایت کرده که آقا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: صاحب این امر (ولایت) از فرزندان من است که درباره او گفته خواهد شد که مرده، یا او را کشته‌اند، بلکه او را هلاک کرده‌اند یا معلوم نیست که در کدام وادی سرگردان است.^{۱۱} آری:

دیده‌ای خواهی که باشد شه‌شناس

تا شناسد شاه را در هر لباس

به هر حال فرمایشات امام امیرالمؤمنین درباره سرگردانی زمان غیبت حضرت

بقية الله روحی له الفداء، بالاترین آرامش بخش و والاترین یادآور برای ما است، که بدانیم تمام انحرافات و سرگردانیها قبلاً پیشگوئی شده است و این روایات باید و می‌بایست بر اعتقاد و ایمان ما بیفزاید و استواری و استقامت ما را روز افزون فرماید، تا در مقابل شدائد غیبت ایستادگی کرده، آنی از آن سرور عزیز غافل نباشیم و همچون سربازانی که بزرگشان را انتظار می‌برند، خسته نشویم.

خوشا به حال آن سربازی که چون فرمانده او بازگردد وی را در حال هشیاری و نه غفلت ببیند.

حدیث دوازدهم

خبر دادن امیرالمؤمنین از دولت

کریمه حضرت بقية الله روحی له الفداء

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَيَّ
وَلَدِهَا ثُمَّ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: < وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي
الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ . >

<< دولت دنیا پس از چموشی کردنش و پشت نمودن، با مهربانی به ما باز می‌گردد مانند شتریکه بازگشت به بچه‌اش میکند و او را نوازش می‌دهد و او را از شیر پستانش بهره‌مند می‌سازد. >> امیر مؤمنان علی علیه السلام در این جملات کوتاه به مصائب جانگداز اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین اشاره

فرموده آنگاه بدولت کریمه خاندان وحی (علیهم السلام) که بدست توانای حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء پیاده خواهد شد، اشاره میفرمایند بدیهی است که جز این، برنامه دیگری برای خاندان عصمت و طهارت تنظیم نشده است که چنین بهره داشته باشد. < بازگشت حکومت دنیا به آغوش آنها >^{۱۲}

حدیث سیزدهم

فرموده امیرالمؤمنین به کمیل بن زیاد نخعی

درباره امام عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

اَللّٰهُمَّ بَلٰى لَا تَخْلُوْا الْاَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّةٍ اِمَّا ظَاهِرًا مَّشْهُورًا وَّ اِمَّا خَائِفًا مَّغْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللّٰهِ وَ بَيِّنَاتِهِ وَ كَمَ ذَا وَّ اَيُّنْ اَوْلِيْكَ وَ اللّٰهُ الْاَقْلُوْنَ عَدَدًا وَّ الْاَعْظَمُوْنَ عِنْدَ اللّٰهِ قَدْرًا يَحْفَظُ اللّٰهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتّٰى يُودِعُوْهَا نُظْرَانَهُمْ وَ يَزْرَعُوْهَا فِي قُلُوْبِ اَشْبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلٰى حَقِيْقَةِ الْبَصِيْرَةِ، بَاشِرُوْا رُوْحَ الْيَقِيْنِ وَ اسْتَلَانُوْا مَا اسْتَوْعَدَهُ الْمُتْرَفُوْنَ وَ اَنْسُوْا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُوْنَ وَ صَحِبُوْا الدُّنْيَا بِاَبْدَانٍ اَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَخَلِّ الْاَعْلٰى اَوْلِيْكَ خُلَفَاءُ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ وَ الدُّعَاةُ اِلٰى دِيْنِهِ اَهْ اَهْ شَوْقًا اِلٰى رُوْبِيْتِهِمْ اِنْصَرِفْ يَا كَمِيْلُ اِذَا شِئْتَ.

آری ای خدای (لطیف)، پیوسته چنین است که بلطف عمیم تو کره زمین از جانشین و نماینده‌ای که از طرف ذات مقدست به امر حق قیام کند خالی

نخواهد ماند، همانکه در سایه قیامش دین خدا را برپای دارد. این سفیر بزرگ الهی یا ظاهر است و آشکار و در میان مردم مشهور (همانند امامان و معصومان یازدهگانه پیشین) و خواه از نظرها پنهان و در حال ترس بسر ببرد و این از آن است که براهین روشن و نشانه‌های حتمی خداوند از بین نرود و اینان چند نفرند و کجا هستند؟! سوگند بخدا تعداد آنان کم است اما از نظر مقام و منزلت نزد خداوند بس بزرگ و با عظمت‌اند، خداوند بوسیله آنان دلائل و حجت‌های قوی و روشن خودش را حفظ میکند تا اینکه پس از انقضای مدت عمرشان هر یک این امانت‌ها را باشخاص مانند خودشان بپارند و بذر آنها را در دل کسانی (که خداوند از دیر باز آنان را تعیین فرموده و مستعد آن قرار داده) همچون خودشان بکارند، علم و دانش با حقیقت روشن خود بآنان روی آورده و روح یقین را با دلی پاک لمس نموده‌اند. آنچه را بندگان دنیا سخت و دشوار بدانند آنها برای خودشان آسان و شیرین میدانند و آنچه ابلهان از آنها بهراسند، این ذوات مقدسه بدان مأنوس هستند. ابدان ایشان در این دنیا و به‌مراه آن بوده حال آنکه روان آنان به ملاء اعلی و ابسته و متصل می باشد.

این انوار پاک و ذوات مقدس حجت‌های خداوند و خلفای او در روی زمین هستند، اینانند دعوت کنندگان بدین خدا، آه آه چقدر مشتاق دیدار آنها هستیم. سپس فرمود: ای کمیل اگر میخواهی بازگرد.^{۱۳}

حدیث چهاردهم

سفارشات امیرالمؤمنین علیه السلام درباره استقامت

در برابر مصائب زمان غیبت و پاره‌ای از وظائف شیعیان

الزُّمُوا الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بَأَيْدِكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى السِّنْتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يُعَجِّلْهُ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحٍ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النِّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا.

از جای خود حرکت نکنید و در مقابل بلاها و سختیها صبر کنید و بخاطر پیروی از هوی و هوس که منشاء آن در زبان شماست، دست و شمشیر خویش را حرکت ندهید و در چیزیکه خداوند در آن تعجیل و تندى روا نداشته عجله نکنید. همانا! آن کسیکه در رختخوابش بمیرد در حالتیکه حق خداوند و رسول او و خاندان گرامیش را شناخته و رعایت حق آنانرا نماید، < شهید از دنیا رفته است > و پاداش و اجر او با خداوند بزرگ است و از ثواب کارهای خوبی که قصد انجام آنرا داشته برخوردار است و همینکه نیتش این بوده که در راه خدا، جانش را فدا نماید، آن نیت بمنزله عملش خواهد بود پس توجه داشته باشید که هر کاری وقت و موعدی دارد و تا زمان آن نرسیده باشد یا بسر نیامده باشد، عملی نخواهد بود.^{۱۴}

حدیث پانزدهم

خبر دادن امام امیرالمؤمنین از

آخرالزمان و قبل از ظهور

... أَلَا يَا بِي وَ أُمِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ أَسْمَاءُ هُم فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ أَلَا فَتَوَقَّعُوا مَا يَكُونُ مِنْ إِدْبَارِ أُمُورِكُمْ وَ انْقِطَاعِ وُضُلِكُمْ وَ اسْتِعْمَالِ صِغَارِكُمْ ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنُ مِنْ الدَّرْهِمِ مِنْ حِلِّهِ ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَى أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ الْمُعْطَى ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النِّعْمَةِ وَ النَّعِيمِ وَ تَحْلِفُونَ مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ وَ تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِحْزَاجٍ وَ ذَلِكَ إِذَا أَعْصَكُمُ الْبَلَاءُ كَمَا يَعْصُ الْقَتَبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعِنَاءَ وَ أَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءَ .

... هان پدر و مادرم بقربانشان باد اینها (ائمه یازدهگانه) دسته‌ای هستند که نامشان در میان ملائکه آسمان معروف است اما در میان اهل زمین ناشناخته هستند (مردم روی زمین در نتیجه پیروی از هوی و هوس و مشغول دنیا شدن این مشعلهای فروزان توحید را نشناختند لذا افراد بی سواد و فاقد صلاحیت را مقدم بر آنان داشتند) پس آگاه باشید که کارها به عقب بر میگردد و امور از هم گسیخته خواهد شد و افراد کوچک سبک مغز روی کار خواهند آمد این جریان وقتی بوجود خواهد آمد که تحمل افراد مؤمن در مقابل شمشیر و ضربات آن آسانتر است از بدست آوردن یک درهم حلال در اینموقع اجر و پاداش

گیرنده درهم از دهنده آن بیشتر است زیرا گیرنده آن درهم را میگیرد برای اداره معاش زن و فرزندش، چون دهنده بعنوان ریا و ولخرجی میبخشد در حالتیکه گیرنده برای تامین معاش میگیرد در این موقع است که مست میگردد اما نه با شراب خوردن بلکه بخاطر زیادی نعمت و امکانات و قسم میخورید اما نه از روی ناچاری، دروغ میگوئید اما نه از روی ناگزیری این لغزشها در وقتی خواهد بود که سختیها و مصائب مانند باری سنگین که بر گرده اشتران بار میکنند بر گردن شما مستولی گردد.^{۱۵}

حدیث شانزدهم

خبر دادن از ظهور بزبان امیرالمؤمنین (علیه السلام)

قَدْ طَلَعَ طَالِعٌ وَ لَمَعَ لَامِعٌ وَ لَاحَ لَائِحٌ وَ اعْتَدَلَ مَائِلٌ وَ اسْتَبَدَلَ اللَّهُ بِقَوْمٍ قَوْمًا وَ انْتَبَظْنَا الْغَيْرَ انْتِظَارَ الْمُجَدِّبِ الْمَطَرِ وَ إِنَّمَا الْأُمَّةُ قَوْمٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ.

... هر آینه قطعی خواهد بود که طلوع کننده‌ای طالع شود و سر برآورد و درخشنده‌ای درخشیدن گیرد، کسی که باید آشکار شود، ظاهر شود و آنچه در مسیر خلاف قرار گرفته بود و منحرف شده بود به جایگاه خویش بازگردد و در خط مستقیم حق واقع شود و باعتدال الهی بازگردد خداوند اقوامی را تبدیل به قوم دیگر کرد (گمراهان رفتند و بندگان صالح آمدند.) و روزی را تبدیل به روز دیگر کرد (روزگار ظلم و ستم رفت و روز عدل و داد آمد) غیر از این

نیست که ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین نگهبانانی هستند از طرف خداوند که باید بندگان در سایه آنها حفظ شوند و بهشت و جهنم در گرو متابعت و مخالفت از این عزیزان است.^{۱۶}

حدیث هفدهم

پیشگوئی‌های امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)

درباره حضرت بقیه الله روحی له الفداء

... وَ خَلَّفَ فِينَا آيَةَ الْحَقِّ مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ دَلِيلُهَا مَكِيْتُ الْكَلَامِ بَطِيءُ الْقِيَامِ ، سَرِيْعٌ إِذَا قَامَ فَإِذَا أَلْتُمْ لَهُ رِقَابَكُمْ وَ أَسْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ فَلَبِثْتُمْ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَ يَصُنُّكُمْ نَشْرُكُمْ فَلَا قَطْمَعُوا فِي غَيْرِ مُقْبِلٍ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ مُدْبِرٍ فَإِنَّ الْمُدْبِرَ عَسَى أَنْ تَزِلَّ بِهِ إِحْدَى قَائِمَتِيهِ وَ تَنْبُتِ الْأُخْرَى وَ تَرْجِعَا حَتَّى تَنْبُتَا جَمِيْعًا إِلَّا إِنْ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ ، فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ وَ أَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمُلُونَ .

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم حق را برافراشت و در میان ما مردم بامانت و یادگار گذاشت آنکس که از زیر این پرچم بیرون رفت هلاک شد و از دین مقدس اسلام خارج گردید و هر آنکس که از آن روی گردانید واپس افتاد و اما کسی که در زیر سایه این پرچم باقی ماند به سعادت ابدی

دست پیدا کرد. پرچم دار این پرچم، با آرامش سخن گوید و با تأنی در اجراء این دستورات بپا خیزد و عجولانه نمی اندیشد اما چون عزم آنرا نماید و قیام کند پس در انجام برنامه‌ها شتاب نموده، سستی بخرج ندهد و در انجام حق بعد از تصمیم برآن درنگ نکند، اما آنگاه که از فرمانش اطاعت کردید و با انگشت بسویش اشاره کردید دوران او خاتمه پیدا می کند و مرگش فرا می رسد * و هرآینه پس از او مدتی صبر خواهید کرد و در انتظار بسر خواهید برد تا آنوقت که خداوند بزرگ از طرف خودش شخصیتی را مأمور میکند تا اینکه جامعه بشریت را که دچار پریشانی و اختلاف شده‌اند، بسوی وحدت دعوت نموده و زیر یک پرچم گرد آورد و پراکندگیها را سروسامان بخشد پس به کسیکه نسبت به دنیا سردی نشان میدهد و به قیامی که معطل مانده مبادرت نمی ورزد دل مبندید (چرا که او امامی است که مأمور به قیام نمی باشد هرچند که ظاهر و آشکار است) و از آن امامی که پشت نموده (و غائب و مخفی گشته است) ، ناامید مشوید. پس بسیار ممکن است که آن امامی که پشت نموده و غائب گشته (بنا به مصلحت الهی) تنها یک پای خویش را رها کرده باشد

ه در این فقرات حضرتش خود را منظور میدارند که پس از غوغای نهروان آماده جنگی دوباره با معاویه بودند و لشکریان ایشان مهیای گردن نهی در برابر فرمان حضرتش بودند که ابن ملجم مرادی آن آخرین اشقیاء ایشان را شهید نمود.

(ولایت ظاهری) ولی پای دیگر او برجای محکم است (ولایت باطنی و غیبی آن حضرت) و او آماده است تا هر دو پای را محکم گرداند.

آگاه باشید که آل محمد (ص) بمنزله ستاره‌های درخشان هستند که هرگاه ستاره‌ای غروب کرد، ستاره‌ای دیگر طلوع میکند، گویا می‌بینم که در پرتو آل محمد به همه نعمتها دست پیدا می‌کنید و هرآنچه را که آرزو می‌برید به شما می‌نمایانند.^{۱۷}

حدیث هجدهم

امیرالمؤمنین در سفارش به تبعیت از

امام عصر (عج) ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا آثَرَهُمْ ، فَلَنْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يَعْيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِذَا اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانصُرُوهُمْ . فَلْيُخْرِجَنَّ اللَّهُ الْفِتْنَةَ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ بِأَبِي إِبْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجًا هَرْجًا ، مَوْضُوعًا عَلَى غَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشُ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا يُغْرِيهِ اللَّهُ بِبَنِي أُمِّيَّةَ حَتَّى يَجْعَلَهُمْ حُطَامًا وَ رُفَاتًا مَلْعُونِينَ أَيُّنَمَا تُقْفُوا أُخَذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا .

رفتار اهل بیت رسالت را سرمشق قرار دهید اگر آنها در خانه نشستند شما نیز از جای خود حرکت نکنید اگر قیام کردند همراه آنها قیام کنید اگر از شما یاری طلبیدند آنها را یاری نمائید (شکی نیست که اینان هرگز شما را از وادی هدایت بیرون نبرده و شما را به زشتی باز نمی گردانند، اگر که پای خویش را بر اثر پایشان نهاده و به جهت آنان متوجه شوید)، پس خداوند بوسیله مردی از ما خاندان محمد اساس فتنه و فساد را در هم می کوبد و مردم را از فتنه نجات میدهد (آنچنانکه پوست حیوان را از گوشت جدا نمایند) پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان باد، که با اهل فتنه و فساد جز با شمشیر روبرو نخواهد شد آنقدر از آنها بکشد که قریش می گویند اگر این (مهدی علیه السلام) فرزند فاطمه بود به ما رحم می فرمود.

هشت ماه شمشیر را از دوش مبارکش بزمین نگذارد تا ریشه فتنه گر و فساد جو کنده شود، خداوند او را برای در افتادن و نبرد با بنی امیه برانگیزد تا اینکه آنها را تار و مار سازد (و آنچنانکه قرآن مجید فرموده آنها رانده شدگانند و هر کجا آنها را بیابند محکوم بمرگ خواهند بود این برنامه ای است که از طرف خداوند در حق پیشینیان اجرا شده است و بعد از این هم اجراء خواهد شد، و در سنت خداوند هرگز تبدیلی نخواهد بود!^{۱۸}

ابن ابی الحدید سنی معتزلی در شرح این خطبه گوید: این خطبه بدینگونه که در بالا ذکر شد نزد طایفه سیره نویسان مشهور و متداول است و همگان گویند

که امام (علیه السلام) این خطبه را بعد از غوغای نهروان ایراد فرمودند. اما مرحوم رضی بعضی از فرازهای آنرا (گرچه دیگران نقل کرده‌اند) نیاورده است.

... لازم بتذکر است که در فرازی از ادامه همین خطبه می‌باشد که آن بزرگوار به خونین شدن محاسن مبارکشان بخاطر شکافته شدن فرق مبارکشان اشاره می‌فرمایند.

حدیث نوزدهم

خبر امیرالمؤمنین و بیان حال دین قبل از

قیام امام عصر (ع)

يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَ يُعْطِفُ الرَّأْيَ
عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ
بَادِيًا نَوَاجِدُهَا مَمْلُوءَةً أَخْلَافُهَا حُلُومًا رَضَائُهَا عَلَقَمًا غَاقِبَتُهَا

او هدایت الهی را بجای هوای نفس فرمانروائی میدهد در وقتیکه مردم بجای هدایت بسوی خداوند هوای نفسشان را مقدم داشته و از آن پیروی می‌کنند و زمانیکه مردم قرآن را به رأی خود تفسیر می‌کنند آن حضرت آراء مردم را بسوی قرآن کریم برمی‌گردانند. (ابن ابی الحدید سنی معتزلی میگوید این کلام اشاره به امامی است که خداوند او را در آخرالزمان بوجود می‌آورد و همان امامی که در روایات باو اشاره شده.)

این اعتقاد اهل تسنن است که مهدی که از نسل فاطمه است بدنیا نیامده بلکه در آخرالزمان تولد خواهد یافت.^{۱۹}

حدیث بیستم

صفات مهدی (ع) به بیان علی (علیه السلام)

قَدْ لَبِسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ اَدْبِهَا مِنَ الْاِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِقَةَ بِهَا وَ التَّضَرُّغَ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّتُهُ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَ حَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا فَهُوَ مُعْتَرِبٌ اِذَا اُعْتَرَبَ الْاِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَ اَلَّصَقَ الْاَرْضَ بِجِرَانِهِ بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ اَنْبِيَاءِهِ .

زره دانش را بر تن پوشانده و دانائی را با تمام آداب (که تمام آن همانا روی آوردن به آن، و شناخت آن و فارغ ساختن دل از برای آنست) بر گرفته است. پس نزد آن وجود شریف گمشده‌ای است که آنرا می‌جوید و آن حکمت است (کنایه از اینکه آن حضرت در همه امور حکیمانه عمل می‌نماید) و در پیدائی آن و پرسش و جستجو می‌نماید آن زمان که اسلام دچار غربت گردد و (همانند شتری که از راه رفتن باز می‌ماند و دم خود را در حالی که سینه‌اش بزمین چسبیده بر زمین می‌کوبد) حرکت و سازندگی خود را از دست بدهد، آن بزرگوار نیز (که ولی اسلام است) همچون خود اسلام در غربت و پنهانی و تنهائی و انزوا بسر می‌برد و راه اختفاء اختیار کند (تا هنگامیکه از طرف آفریننده این عالم فرمان قیامش صادر گردد و اسلام را از غربت برهاند) او

باقیمانده‌ای است از حجت‌های خداوند و جانشینی است از جانشینان پیامبران^{۲۰۰}.

حدیث بیست و یکم

رسول اکرم و صفات قائم آل محمد

و اصحاب آنحضرت ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ ، قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لِأَبِي ابْنِ كَعْبٍ فِي وَصْفِ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
..... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نُطْفَةً مُبَارَكَةً
زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ
فِي الْوِلَايَةِ وَ يَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ . فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ سَارٍ مَرْضِيٌّ هَادٍ
مَهْدِيٌّ يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ وَ يَأْمُرُ بِهِ يُصَدِّقُ اللَّهُ تَعَالَى وَ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي
قَوْلِهِ يَخْرُجُ مِنْ تِهَامَةَ حِينَ تَظْهَرُ الدَّلَائِلُ وَ الْعَلَامَاتُ وَ لَهُ كُنُوزٌ لَا ذَهَبٌ وَ
لَا فِضَّةٌ إِلَّا خِيُولٌ مُطَهَّمَةٌ وَ رِجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِنْ أَقَاصِي
الْبِلَادِ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ
فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ طَبَائِعِهِمْ وَ حُلَاهُمْ وَ
كُنَاهُمْ كَذَا دُونَ مُجْدُونَ فِي طَاعَتِهِ فَقَالَ لَهُ أَبِي وَ مَا دَلَائِلُهُ وَ عَلَامَاتُهُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : لَهُ عِلْمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ
وَ انْطَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَنَادَاهُ الْعِلْمُ : اُخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ هُمَا

آيَاتِنِ وَ عَلَامَتَانِ وَ لَهُ سَيْفٌ مُعَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اخْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ
 مِنْ غَمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ أُخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ
 لَكَ أَنْ تَقْعَدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ فَيَخْرُجُ وَ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ ثَقَّفَهُمْ وَ يُقِيمُ
 حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ، يَخْرُجُ وَ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ
 يَسَارِهِ وَ سَوْفَ تَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ
 عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَبِي طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ،
 يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهَلَاكَةِ وَ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَ بِرِسُولِهِ وَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ يَفْتَحُ
 اللَّهُ لَهُمُ الْجَنَّةَ، مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ الَّذِي يَسْطَعُ رِيحُهُ وَ لَا
 يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَ مَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يَطْفَأُ نُورُهُ أَبَدًا
 قَالَ أَبِي يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ بَيَانُ حَالِ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.
 قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ إِثْنَيْ عَشَرَ صَحِيفَةً، إِسْمُ كُلِّ إِمَامٍ عَلَيَّ
 خَاتِمِهِ وَ صِفَتُهُ فِي صَحِيفَتِهِ.

از حضرت جواد الائمه (علیه السلام) از آباء گرامیش (علیهم السلام) از
 امام حسین (علیه السلام) نقل شده که حضرتش فرمودند، روزی به محضر
 جدم رسول خدا شرفیاب شدم و ابی ابن کعب در محضر حضرتش نشسته بود
 (و در اینجا امام حسین علیه السلام حدیثی طویل را ذکر می فرمایند که پیامبر
 در آن حدیث تک تک ائمه را برای ابی ابن کعب معرفی می فرمایند تا آنجا
 که امام حسین میفرمایند:) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به ابی ابن

کعب درباره اوصاف حضرت قائم (علیه السلام) فرمودند: بدرستیکه خداوند از نسل و در پشت حضرت حسن، (که منظور امام حسن عسکری علیه السلام) است که در اثناء حدیث توسط پیامبر معرفی شده‌اند) نطفه مبارکه پاکیزه و طیب و طاهری قرار داده که از هرگونه صفات بد میرا است، تمام افراد با ایمانیکه پیمان ولایت از آنها گرفته شده از او راضی هستند و تمام منکرین ولایت بوجود مقدس او کفر میورزند پس او امامی است پرهیزکار و منزّه از همه عیبها مرضی همه (بندگان خداوند) است. هدایت کننده و هدایت شده است بعدالت حکم میکند و نیز بعدالت امر مینماید، تصدیق میکند اوامر خداوند را و خداوند تصدیق کننده فرمایشات او است از سرزمین حجاز قیام میکند در وقتیکه علائم و نشانه‌های او ظاهر شود و از برایش گنجبائی است که از طلا و نقره نیست، بلکه مرکببائی بسیار و مردان شناخته شده و تعلیم دیده «لابد از نظامی» خداوند از اطراف اکناف و بلاد مردانی به تعداد جنگ جویان اهل بدر یعنی سیصد و سیزده نفر برای آن حضرت جمع میکند با آنحضرت است یک صحیفه مهر شده که در او عدد اصحاب آنحضرت و اسماء آنها و نام بلد و شهر و حالات مختلفشان در آن نوشته شده و نهایت جدیت در فرمانبرداری از آنحضرت دارند. ابی ابن کعب عرض کرد علامت و نشانه او چیست ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند از برای او پرچمی است که وقتی زمان بیرون آمدنش نزدیک شد این پرچم خود بخود باز میشود و خداوند او را

بزبان می‌آورد و سخن می‌گوید، پرچم بصدای می‌آید عرض می‌کند بیرون برو
ای ولی خدا و دشمنان خداوند را بقتل برسان و <> «هما آیتان و علامتان» <
(منظور، باز شدن پرچم و دیگری بزبان آمدن آن است.)

و از برای مهدی ما (علیه السلام) یک شمشیری است، که چون هنگام
ظهور فرا رسد از غلاف بیرون آمده، امام عصر را صدا میکند و عرض
مینماید: ای ولی خدا از جای خود حرکت کن دیگر درنگ کردن برای شما
جایز نیست و نباید به دشمنان خدا مجالی بدهید، قیام کنید و دشمنان خدا را
در هر کجا که هستند نابود بفرمائید و حدود الهی را اجراء کن و حکم خداوند
را عملی فرما! پس حضرتش بیرون می‌آید و در حالتیکه جبرئیل از طرف
راست و میکائیل از طرف چپ اوست و زود است که آنچه را من برای شما
گفتم با آن روبرو خواهید شد و من امر خودم را بخداوند واگذار کردم. ای ابی
ابن کعب خوشا بحال کسیکه مهدی مرا (علیه السلام) دیدار کند و سعادت‌مند
آن کسی است که او را دوست بدارد و خوشا بحال آن کسیکه قائل به امامت او
باشد همه اینها را از هلاکت نجات میدهد و با اقرار بخداوند و رسول گرامیش و
اثمه معصومین خداوند بهشت را بروی آنها باز میکند، مثل این دسته در کره
زمین مانند عطر است که پیوسته بوی خوش آنها در هوا پراکنده است و
هیچگاه این بوی خوش تغییر نمی‌کند و مثل اینها در آسمانها مانند ماه
درخشان است که هیچگاه نور او خاموش نخواهد شد.

ابی عرض کرد: یا رسول الله حال ائمه هدی در پیشگاه خداوند چگونه است، فرمودند: دوازده صحیفه بر من نازل فرموده که نام هر امامی بر مهر آن صحیفه است و اوصاف آن امام در آن نوشته شده است.^{۲۱}

حدیث بیست و دوم

بشارت دادن حضرت باقر (علیه السلام)

به قیام حضرت مهدی روحی له الفداء

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَنْزِلُ الرَّاياتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.

از جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند پرچمهای سیاه از جانب خراسان باهتزاز در می آید و وقتی که مهدی ما ظهور میکند، رهبر قیام خراسان را دعوت به بیعت می کند.

اشاره است بقیام جناب سید حسنی که از نشانه های حتمی ظهور آقا حضرت بقیه الله روحی له الفداء است و این حرکت از سرزمین خراسان است که بامر خداوند بزرگ و امضاء حضرت مهدی خواهد بود.^{۲۲}

حدیث بیست و سوم

حضرت باقر (علیه السلام) در باره اصحاب

حضرت مهدی ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

أَبِي الْجَارُودُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (الْبَاقِرِ) عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: أَصْحَابُ الْقَائِمِ
ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يَحْمِلُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا
يَعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَنَسَبِهِ وَحِلْيَتِهِ وَبَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُرَى
فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيغَادٍ.

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمودند اصحاب قائم ما سیصد و
سیزده نفر و همه آنها از اولاد عجم هستند در روز اول ظهور بعضی از آنها سوار
بر ابر می شوند و خودشان را به مکه معظمه و مسجد الحرام می رسانند و افرادی
هستند شناخته شده از نظر اسم و اسم پدر و خصوصیات خانوادگی و بعضی از
آنها در رختخواب خودشان خوابیده اند بدون وعده قبلی در مکه معظمه دیده
می شوند.^{۲۳}

حدیث بیست و چهارم

خبر دادن حضرت باقر (علیه السلام)

از قیام حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ
(عَلَيْهِ السَّلَامُ) ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمَّا تَفَرَّقَ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ قَالَ لِي يَا أَبَا حَمْرَةَ مِنْ
الْمَحْتُومِ الَّذِي حَمَمَهُ اللَّهُ قِيَامُ قَائِمِنَا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ، لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ
كَافِرٌ بِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا أَبِي وَأُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَ الْمَكْنَى بِكُنْيَتِي السَّابِعُ مِنْ
بَعْدِي يَا أَبِي (مَنْ) يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا (وَقِسْطًا) كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا

يَا اَبَا حَمْرَةَ مَنْ اَدْرَكَهُ فَيُسَلِّمُ لَهُ مَا سَلَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ
وَ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَقَدْ حَزَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ النَّارُ وَ بَسَسَ مَثْوَى
الظَّالِمِينَ .

قَالَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ : وَ اَوْضَحَ مِنْ هَذَا بِحَمْدِ اللَّهِ وَ اَنْوَرُ وَ اَبْيَنُ وَ اَزْهَرُ
لِمَنْ هَدَاهُ وَ اَحْسَنُ اِلَيْهِ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ (اِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ
عِنْدَ اللَّهِ اِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ)^{٢٤} وَ مَعْرِفَةُ الشُّهُورِ الْمُحَرَّمَ وَ
صَفَرُ وَ رَبِيعُ وَ مَا بَعْدَهُ وَ الْحُرْمُ مِنْهَا رَجَبُ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمُ
وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ دِينًا قِيَمًا ، لِأَنَّ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسَ وَ سَائِرَ
الْمِلَلِ وَ النَّاسِ جَمِيعًا مِنَ الْمُؤَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ يَعْرِفُونَ هَذِهِ الشُّهُورَ وَ
يَعُدُّونَهَا بِأَسْمَائِهَا وَ لَيْسَ هُوَ كَذَلِكَ وَ اِنَّمَا عَنِيَ بِهِمُ الْأَيْمَّةَ الْقَوَامِينَ بِدِينِ
اللَّهِ وَ الْحُرْمُ مِنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الَّذِي اسْتَقَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ
لَهُ اِسْمًا مِنْ اَسْمَائِهِ الْعَلِيِّ كَمَا اسْتَقَى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اِسْمًا مِنْ
اَسْمَائِهِ الْمَحْمُودِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْ وُلْدِهِ اَسْمَائُهُمْ عَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيُّ ابْنُ
مُوسَى وَ عَلِيُّ ابْنُ مُحَمَّدٍ وَ لِهَذَا الْاِسْمِ الْمُسْتَقَى مِنْ اَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
حُرْمَةٌ بِهِ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) .

از ابی حمزه ثمالی نقل شده که در خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم
وقتی مجلس خلوت شد بمن فرمودند ای ابا حمزه از حتمیاتی که خداوند قطعی
دانسته قیام قائم ما اهل بیت است و هرکس که در گفتار من تردید کند در روز

قیامت در پیشگاه خداوند کافر حساب می شود سپس فرمودند: پدر و مادرم بقربانش باد که هم نام من است و هم کینه من و او هفتمین امام بعد از من است پدرم بقربانش باد که او زمین را پراز عدل و داد میکند چنانچه پراز ظلم و جور شده باشد ای ابا حمزه هر کس که زمان او را درك کند و مسلم و واجب شمارد فرمان و اطاعتش را همچنانکه تسلیم فرمان محمد و علی بود در این صورت، بهشت خداوند برای او واجب و قطعی است و آنکسیکه پیروی او را واجب نداند، بهشت بر او حرام و جایگاه وی آتش خواهد بود و آن برترین مکانهاست برای ستمگران.

مرحوم نعمانی صاحب کتاب غیبت گوید: و بحمد خداوند واضح و روشنتر از این حدیث برای اهل تقوی و هدایت شدگان، فرمان خداوند بزرگ است در این آیه شریفه < ان عدة الشهور عند الله اثني عشر شهرا في كتاب الله > و شناختن ماههای محرم و صفر و ربیع و بعد از آن و ماههای حرام از میان آنها رجب و ذیقعد و ذی حجه و محرم هستند. اما منظور از دین و اعتقاد راستین (که در ادامه آیه آمده است) اعتقاد به این ماههای دوازده گانه نیست، زیرا که یهود و نصاری و مجوس و سائر ملل و تمام مردم روی زمین از موافق و مخالف این دوازده ماه را میشناسند و همه آنها را باسم یاد میکنند و حال آنکه اینطور نیست بلکه منظور از این آیه دوازده امام هستند که نگهبان دین و برقرار کننده آنند. آنانی که حرمت ویژه ای دارند از میان اسامی ائمه، آقا امیر

المؤمنين (عليه السلام) است که خداوند نام او را از نام خودش گرفته که علی باشد، همانگونه که برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از نامی از نامهای خویش، «محمود» نامی برگرفته است. پس خداوند «محمود» است و پیامبرش «محمد» و در میان ائمه سه نفر دیگری که حرمت ویژه‌ای دارند و از فرزندان آنحضرت هستند، امام علی ابن الحسین و علی ابن موسی و علی ابن محمد هستند و از برای این سه بزرگوار نیز که همچون امیر المؤمنین نامشان علی است، حرمت ویژه‌ای است.

پس این اسم از اسماء الهی به احترام امیر المؤمنین حرمت ویژه‌ای دارد.^{۲۰}

حدیث بیست و پنجم

خبر حرکت سپاه آنحضرت از مکه بسوی کوفه

از بیان شریف امام باقر (علیه السلام)

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادٍ أَلَا، لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا وَ يَحْمِلُ مَعَهُ حَجَرَ مُوسَى ابْنِ عِمْرَانَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الَّذِي انْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا فَلَا يَنْزِلُ مَنزِلًا إِلَّا نَصَبَهُ فَانْبَعَثَتْ مِنْهُ الْعُيُونُ فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شُبِّحَ وَ مَنْ كَانَ ظَمَانًا رُوِيَ فَيَكُونُ زَادَهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَاهِرِ الْكُوفَةِ فَإِذَا نَزَلُوا ظَاهِرَهَا

إِنْبَعَثَ مِنْهُ الْمَاءُ وَاللَّبَنُ دَائِمًا فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ عَطْشَانًا
رُوي .

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده وقتی مهدی ما در مکه قیام کرد و اراده فرمودند که بطرف کوفه حرکت کنند، ندادهندهای از طرف آن سرور اعلام میکند، هیچکس نباید خوردنی و نوشیدنی بهمراه خویش بیاورد. بهمراه لشکریان آنحضرت سنگ حضرت موسی ابن عمران حمل میشود، همان سنگی که دوازده چشمه از او بیرون می‌آمد، آنحضرت و یارانش به هر منزلی که میرسند آن سنگ را نصب میکنند، پس، از آن سنگ چشمه‌ها فوران میکند، هر گرسنه‌ای سیر و هر تشنه‌ای سیراب میگردد. و چنین خواهد بود تا به نجف (که در پشت کوفه است) برسند و هنگامیکه به آنجا فرود آمدند از آن سنگ برای همیشه آب و شیر خواهد جوشید و هر تشنه‌ای سیراب شده و هر گرسنه‌ای سیر خواهد شد.^{۲۶}

حدیث بیست و ششم

خبر امام صادق (علیه السلام)

از قیام امام عصر (علیه السلام) بشمشیر

عَنْ عُمَرَ ابْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ : قَالَ : رَسُولُ اللَّهِ
(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ
النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ

از حضرت صادق (علیه السلام) بنقل از آباء گرامی آنحضرت نقل نموده‌اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: تمام خوبیها در زیر سایه شمشیر است و مردم براه راست هدایت نخواهند شد مگر با شمشیر و شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنم هستند.

خواننده عزیز! غیر از قیام حضرت بقیه الله که با شمشیر خواهد بود و جهان در سایه آن شمشیر باید اصلاح گردیده، مردم براه راست هدایت بشوند مصداق دیگری این حدیث نخواهد داشت.^{۲۷} اللهم عجل فرجه.

حدیث بیست و هفتم

بشارت جبرئیل علیه السلام باینکه

حضرت مهدی از فرزندان امیرالمؤمنین است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ التَّفَتَ إِلَى عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ أَلَا أُبَشِّرُكَ، أَلَا أُخْبِرُكَ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ، فَقَالَ كَانَ جِبْرَائِيلُ عِنْدِي أَنْفَاءً وَ خَبَرَنِي أَنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) توجه فرمودند، و گفتند: یا علی آیا به تو بشارت ندهم؟! آیا به شما خبر ندهم؟! عرض کرد

بفرمائید ، ای فرستاده خدا که درود او بر شما و خاندانتان باد . پس رسول خدا فرمودند : جبرئیل دقایقی پیش نزد من بود و به من خبر داد که آن قائم که در آخرالزمان خروج میکند و زمین را پر از عدل و داد میکند از نسل شما است و از فرزندان حسین (ع) است.^{۲۸}

حدیث بیست و هشتم

بیان امام صادق (علیه السلام) در شباهت

امام عصر (علیه السلام) به یوسف پیامبر (علیه السلام)

عَنْ سُدَيْرٍ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ قُلْتُ كَأَنَّكَ تَذْكُرُ حَيْرَةً أَوْ غَيْبَةً قَالَ لِي وَ مَا تُنْكِرُ مِنْ هَذَا هَذِهِ الْأُمَّةُ ، أَشْبَاهُ الْخَنَازِيرِ إِنَّ إِخْوَةَ يُوسُفَ كَانُوا أَسْبَاطًا أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا يُوسُفَ وَ بَايَعُوهُ وَ خَاطَبُوهُ وَ هُمْ إِخْوَتِهِ وَ هُوَ أَخُوهُمْ فَلَمْ يُعْرِفُوهُ حَتَّى قَالَ لَهُمْ يُوسُفُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَا يُوسُفُ . فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْمَلْعُونَةِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ يُرِيدُ أَنْ يَسْتُرَ حُجَّتَهُ لَقَدْ كَانَ يُوسُفُ إِلَيْهِ مُلْكٌ مِصْرٍ وَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ وَالِدِهِ مَسِيرَةَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعْرِفَ مَكَانَهُ لَقَدِرَ عَلَى ذَلِكَ وَ اللَّهُ لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ وَ وُلْدِهِ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تِسْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ بَدْوِهِمْ إِلَى مِصْرٍ وَ مَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا

أَذِنَ لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ
قَالُوا أَتِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي .

سدیر از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که در قائم اهل بیت نشانه‌ای از یوسف است عرض کردم گویا از غیبت و پنهانی و حیرت و سرگردانی سخن میفرمائی . فرمودند : این امت که شبیه خوک هستند چگونه در مقام انکار برآمده و بعضی از آنان این مطلب را نمی پذیرند و حال آنکه برادران یوسف با اینکه اولاد انبیاء بودند و با یوسف تجارت نموده و خرید و فروش می نمودند و با وی گفتگو می کردند و ایشان برادر او و آنحضرت (علیه السلام) برادر ایشان بود ، با اینحال او را نشناختند تا آنکه خود حضرت یوسف (ع) خویشتن را معرفی فرموده گفت : من یوسف هستم .

پس چگونه این امتی که از رحمت خدا دور و ملعون است ، انکار می کنند که روزی خداوند بزرگ درباره ولی خودش چنین اراده کند که از انظار مردم پنهان باشد و حال آنکه در میان مردم است . یوسف پادشاه مصر بود و بین کنعان و مصر هجده روز بیشتر راه نبود اگر خداوند اراده میفرمود میتوانست جای یوسف را بیعقوب نشان بدهد . بخدا سوگند بعد از رسیدن بشارت به یعقوب این مسیر را از راه صحرا در مدت ۹ روز طی نمودند و بدیدار یوسف نائل شدند . چه می گوید این امت که خداوند همین گونه با یوسف زهرای

مرضیه و ولی خویش رفتار نماید، او در بازارها برود روی فرشها بنشیند اما او را شناسند تا زمانی که خداوند بایشان اجازت فرماید تا خویشتن را معرفی بنمایند همانگونه که به یوسف علیه السلام اجازه فرمودند و آنحضرت گفتند، آیا هیچ با خبر شدید و دانستید که از سر نادانی به یوسف و برادرش چه کردید؟ پس برادران آن حضرت گفتند، آیا شما یوسف هستید؟ حضرتش فرمودند: بلی من یوسف هستم و این برادر من است.^{۲۹}

حدیث بیست و نهم

امام صادق (علیه السلام)

و خبر دادن از موفقیت حضرت مهدی روحی له الفداء

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو حَنِيفَةَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ﴾^{۳۰} أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ قَالَ : أَحْسَبُهُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ فَالْتَفَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ اتَّعَلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ يُقَطِّعُ عَلَيْهِمْ بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ فَتُؤَخَذُ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا يُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يُقْتَلُونَ قَالُوا : نَعَمْ فَسَكَتَ أَبُو حَنِيفَةَ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)^{۳۱} أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ ؟ قَالَ : الْكَعْبَةُ ، قَالَ أَفَتَعْلَمُ أَنَّ الْحَجَّاجَ ابْنَ يُوسُفَ حِينَ وَضَعَ الْمُنْجَبِقَ عَلَى ابْنِ الزُّبَيْرِ فِي الْكَعْبَةِ فَقَتَلَهُ كَانَ آمِنًا فِيهَا ، قَالَ فَسَكَتَ ، فَلَمَّا خَرَجَ قَالَ أَبُو بَكْرٍ

الْحَضْرَمِي جُعِلَتْ فِذَاكَ مَا الْجَوَابُ فِي الْمَسْأَلَتَيْنِ فَقَالَ يَا اَبَا بَكْرٍ (سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ اَيَّامًا اَمِينًا) فَقَالَ مَعَ قَائِمِنَا اَهْلَ الْبَيْتِ وَ اَمَّا قَوْلُهُ < مَنْ دَخَلَهُ كَانَ اَمِنًا > فَمَنْ بَايَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسَحَ عَلٰى يَدِهِ وَ دَخَلَ فِي عِقْدِ اصْحَابِهِ كَانَ اَمِنًا.

بعضی از اصحاب حضرت صادق (علیه السلام) نقل نمودند که ابو حنیفه بر حضرت صادق علیه السلام وارد شد حضرت فرمودند: ای اباحنیفه به من خبر بده از تفسیر این آیه شریفه که میفرماید: < <سیروا فیها لیالی و ایامًا آمینین>> > ، یعنی < <سفر کنید در آن در شب و روز و با کمال امنیت>> ، که آنجا کجای زمین است؟! عرض کرد: گمان میکنم بین مدینه و مکه باشد. امام صادق علیه السلام رو به اصحاب فرمودند که آیا نشنیدید: آنانی که در راه مکه و مدینه دچار راهزنان و غارتگران می شوند و دزدان اموال ایشان را بغارت می برند؟! و آنان بعضاً کشته نمی شوند؟! همه اصحاب عرض کردند چرا. ابو حنیفه ساکت ماند. امام (علیه السلام) دوباره فرمودند ای اباحنیفه خبر بده از این آیه: (و من دخله کان آمناً) ، که آنجا کجای زمین است؟ عرض کرد: کعبه معظمه. امام فرمودند: آیا حجاج بن یوسف با ارابه سنگ پران عبدالله بن زبیر را در مکه و در خانه خدا زیر باران سنگ نگرفت و آیا او را در حالی که در خانه خدا بود نکشت؟! پس ابو حنیفه در پاسخ فرومانده، ساکت گشت و در این هنگام با سرافکنندگی از مجلس بیرون رفت. پس از آن

ابی بکر حضرمی عرض کرد، فدایت شوم ای آقا، جواب این دو مسئله را خود بفرمائید فرمودند: اما << سیروا فیها لیالی و ایاماً آمین >> این امنیت با قائم ما اهل بیت حاصل شود و اما معنی این که فرمود << و من دخله کان آمناً >> این است که هر کس با آنحضرت بیعت کند و با او در مقام ابراهیم داخل شود و دستش را برسم بیعت مسح کند و در جمعیت یاران آنحضرت داخل گردد در امان خواهد بود.^{۳۲}

حدیث سی ام

امام صادق و لزوم و تاکید در معرفت امام عصر (عج)

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ: جَعَفَرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ الْمَذْكُورَةِ: يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا <قُلْ إِنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ> قَالَ الْآيَاتُ، الْأَيْمَةُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ عِنْدَ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَ إِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِمُحِبِّي قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ. أَوْلِيَانُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

ابی بصیر از حضرت صادق (علیه السلام) نقل میکند که درباره آیه

مذکور: << روزیکه بعضی از آیات پروردگار تو ظاهر شود، هیچ کسی را

ایمان به آن آیه نفع نبخشد اگر از قبل به آن آیه ایمان نیاورده باشد» ،
فرمودند: منظور از آیات همان امامان اهل بیت هستند و بعضی از آیات منظور
قائم و مهدی ما اهل بیت است. پس ایمان آوردن باو برای کسیکه پیش از
قیام او بشمشیر به حضرتش ایمان نیاورده باشد، فایده‌ای ندارد اگرچه به
پدران او ایمان داشته باشد.

ابی بصیر گوید سپس حضرتش فرمودند: ای ابا بصیر خوشا بحال آنانیکه
مهدی ما را فراموش نکرده دوستدار اویند و انتظار ظهور آن سرور را می‌برند و
در ایام دولت آن بزرگوار از وی فرمانبرداری نمایند. هر آینه دوستان او
دوستان خدایند که درباره آنها فرموده است: البته اولیاء خداوند (و ولیّ
عزیزش) ترس و بیمی نخواهند داشت.^{۳۳}

خواننده عزیز در این روایت تحت عنوان وظیفه دوستداران و منتظرین قیام
مهدی موعود به چند اصل مسلم اشاره فرموده‌اند:

۱ - امام عصر روحی له الفداه را نباید از یاد برد و باید بوسائل گوناگون از
آن عزیز یاد کرد از قبیل صدقه دادن برای سلامتی آنسرور، دعا برای تعجیل
در امر فرج، محزون بودن از غیبت آقا و گریه از فراقش و اینکه مردم او را
فراموش نموده‌اند.

۲ - وظیفه انتظار است که باید در تمام اوقات شبانه‌روزی به انتظار آن عزیز
بسر برد لذا در اخبار اهل بیت بنام بهترین و بالاترین عبادت شمرده شده

است (افضل العبادۃ انتظار الفرج) ^{۳۴} بالاترین عبادتها منتظر فرج | آنحضرت بودن است .

۳ - در دوران غیبت آن بزرگوار اوامرش را اطاعت نمودن و آنچه را نهی فرموده ، ترك نمودن .

۴ - در زمان حکومتش جزء خدمتگذاران بوده و مطیع فرمانش باشد اینها و صدها وظیفه دیگر را شیعه منتظر باید انجام بدهد .

حدیث سی و یکم

سخن کسری بزرگ فارس و معنی قول او

به تفسیر امام صادق (علیه السلام)

فِيمَا ذَكَرَهُ ابْنُ شَهْرٍ أَشُوبٌ عَنْ إِيُّوَانَ كَسْرِي . . .

قَالَ مُحَمَّدُ ابْنُ عَلِيٍّ التُّوشِجَانِيُّ أَخْبَرَ يَزِيدَ جِرْدُ بِيَوْمِ الْقَادِسِيَّةِ وَ انْجِلَائِهَا عَنْ خَمْسِينَ أَلْفَ قَبِيلٍ مِنَ الْفُرْسِ فَخَرَجَ يَزِيدُ جِرْدُ هَارِبًا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَوَقَفَ بِيَابِ الْأَيُّوَانَ فَقَالَ : (السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَيُّوَانُ) هَا أَنَا ذَا مُنْصَرِفٌ عَنْكَ وَ رَاجِعٌ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي لَمْ يَدُنْ زَمَانُهُ وَ لَا أَنَّ أَوَانَهُ ، قَالَ سُلَيْمَانُ الدِّيلَمِيُّ ، فَسَأَلْتُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ أَوْ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي قَالَ ذَلِكَ قَائِمُكُمْ الشَّادِسُ مِنْ وُلْدِي وَ قَدْ وُلَّدَهُ يَزِيدُ جِرْدُ ابْنُ شَهْرِبَارٍ مِنْ قَبْلِ أُمِّ عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ شَهْرَبَانُو بِنْتِ يَزِيدِ جِرْدَ فَهُوَ وُلَّدَهُ مِنْ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ وَ قَدْ قَدَّمْنَا ذِكْرَ قَوْلِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ عِنْدَ

مُفَارِقَتِهِ الشَّامَ فِيمَا يُنَاسِبُ هَذَا.

ابن شهر آشوب در کتاب خودش در ارتباط با ایوان کسری (واقع در مدائن پایتخت پادشاهان ایران) در باب امامت قائم علیه السلام گوید که: محمد فرزند علی نوشجانی خبر داد مارا که، در آنهنگام که یزدگرد از روز (قادسیه) و فرار و شکست فارسیان با دادن ۵۰ هزار کشته با خبر شد، با جمعی از اهل و عیال خویش رو به فرار نهاد و پیش از آن رو به ایوان کسری نموده گفت: << سلام بر تو ای ایوان اکنون من میروم، اما خود من یا یکی از فرزندان من بسوی تو خواهد آمد که البته آنزمان و لحظه معلوم نیست >> (کنایه است از سلطنت آینده حضرت بقیه الله ارواحنا فداء در عراق).

سلیمان دیلمی گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم منظور یزدجرد از اینکه مردی از فرزندان من می آید کیست؟، فرمودند: منظور قائم شما است که ششمین فرزند من است، که این افتخار از جانب شهربانو مادر حضرت علی ابن الحسین (زین العابدین)، همسر امام حسین (علیه السلام) نصیب یزدجرد خواهد شد زیرا یزدجرد پدر شهربانو است و نظیر این مطلب در جریان قیصر روم هنگام بیرون رفتن از شام گذشت. صاحب کتاب الملاحم مرحوم سید بن طاووس (اعلی الله مقامه) گوید: (نظر من در این حدیث این است که آیات و نشانه های قدرت خداوند از آن ظاهر است، اول اینکه حضرت صادق (علیه السلام) خبر داده است که حضرت قائم (علیه السلام)

ششمین فرزند آنحضرت است و این نمیشود مگر اینکه بگوئیم حضرت صادق (علیه السلام) این مطلب مرا از جانب خدا و پدران گرامیشان دریافته‌اند که آن بزرگوار فرزند ششم ایشان است.

و دیگر اینکه تصدیق فرمودند که فرزند ششم آنحضرت همان قائم بحق و قائم اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود و درباره هیچیک از پدران گرامیشان چنین مطلبی نقل نشده است و معلوم میشود که (امام عصر) تنها کسی هستند که این موهبت را دارند و دیگر از آیات خداوندی بقاء ایوان کسری است تا اکنون که این نگارنده مشغول نوشتن این کتاب است و خبر دادن یزدگرد از آگاهی وی باین امر خبر می‌دهد.

نگارنده گوید که این امر به هر حال دلیل بر عظمت خاندان رسالت است که حجت بالغه الهی‌اند، آنهم با توجه به اینکه مرکز سلطنت حضرت مهدی روحی له الفداه در عراق یعنی همان مسجد مقدس سهله خواهد بود (که در نزدیکی مدائن است).^{۳۵}

حدیث سی و دوم

پیراهن مخصوص حضرت بقیةالله روحی له الفداء

بهنگام قیام

رَوَى مُفَضَّلٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَدْرِي مَا كَانَ قَمِيصُ
يُوسُفَ قُلْتُ لَهُ لَا، قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ

أَنَّهُ جَبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِثَوْبٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَالْبَسَهُ إِتْيَاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ مَعَهُ حَرٌّ
 وَ لَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْتَ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَ عَلَّقَهَا عَلَى إِسْحَاقَ
 (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ عَلَّقَهُ إِسْحَاقَ عَلَى يَعْقُوبَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَلَمَّا وُلِدَ
 يُوسُفُ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ فَكَانَ فِي عَضِدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ، فَلَمَّا
 أَخْرَجَهُ مِنَ التَّمِيمَةِ يُوسُفُ بِمِصْرٍ وَجَدَ يَعْقُوبَ رِيحَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى حَاكِيًا
 عَنْهُ:

<إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنُ تَفَنَّدُونَ>>^{٣٦}

فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي أُنْزِلَ مِنَ الْجَنَّةِ. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَالِي مَنْ
 صَارَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ قَالَ إِلَى أَهْلِهِ وَ هُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ يَجِدُ الْمُؤْمِنُونَ
 رِيحَهُ شَرْقًا وَ غَرْبًا. ثُمَّ قَالَ: كُلُّ نَبِيٍّ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى
 مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

مفضل می گوید حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند ای مفضل آیا
 میدانی پیراهن یوسف چه بود. عرض کردم: خیر فرمودند: وقتی ابراهیم را
 مهیای انداختن در آتش می نمودند، جبرئیل (علیه السلام) یک پیراهن
 برای او از بهشت آورد و باو پوشانید بعد از پوشیدن این لباس نه گرما نه سرما
 باو اثر نمی کرد پس چون مرگ ابراهیم (علیه السلام) فرا رسید او را در یک
 بازوبند قرار داد و در بازوی اسحاق (علیه السلام) یا گردن او قرار داد و چون
 مرگ اسحاق رسید پیراهن تسلیم یعقوب (علیه السلام) شد پس چون یوسف

متولد شد پیراهن را در نزد یوسف (علیه السلام) قرار داد تا وقتی که به پادشاهی مصر رسید، فرمان از جانب خداوند متعال رسید که یوسف خود را معرفی کند، بازوبند را باز کرد و بوی بهشتی آن پیراهن به مشام حضرت یعقوب رسید، که خداوند متعال از زبان یعقوب میفرماید: من بوی یوسف را استشمام می‌کنم و اگر مرا به حواس پرتی متهم نمی‌کنید، می‌گویم که این بوی همان پیراهن است.

مفضل گوید: عرض کردم، فدای شما بشوم ای مولای من، این پیراهن هم اکنون نزد کیست؟! حضرتش فرمودند: نزد اهل آن است (که منظورشان خود حضرتش بودند) و آن بدست قائم ما می‌رسد و بهنگام ظهور اهل ایمان در شرق و غرب عالم بوی این پیراهن را می‌شنوند، سپس فرمودند: همه پیامبران خدا هرچه داشتند از علم و غیر آن همه به پیامبر ما داده شده است.^{۳۷}

> خواننده ارجمند، ائمه دوازده گانه، سلام الله علیهم اجمعین وارث همه اینها هستند و اکنون تمام موارث پیامبران در خدمت حضرت بقیة الله روحی له الفداء است و در روز ظهورش برای پیاده کردن حکومت جهانی از همه آنها استفاده خواهند کرد. <

حدیث سی و سوم

شعاع حکومت حضرت مهدی روحی له الفداء

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) سُئِلَ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ
 : (وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً) (وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ
 الْمُتَّقِينَ) ، حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكَ (لَا تَكُونَ فِتْنَةً) وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ
 فَقَالَ: (إِنَّهُ) لَمْ يَجِيءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا (بَعْدُ) سَيَرَى
 مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ مَا بَلَغَ
 اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) . *

زراره حدیث می کند که از امام باقر (علیه السلام) پرسیدند، که درباره
 آیه شریفه (قاتلوا المشرکین كافة) یعنی همگی مشرکین را بکشید و با آنان
 پیکار نمائید، همانطور که ایشان (مدتها) با شما جنگیدند چه می فرمائید؟
 حضرتش فرمودند: تأویل این آیه هنوز نیامده است، هرگاه قائم ما قیام
 کند آن افرادی که درک می کنند زمان و روزگار حکومت آنحضرت را تأویل این
 آیه را می بینند که دین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) تمام شرق و غرب
 عالم را فرا گرفته است و شعاع حکومت حضرت مهدی روحی له الفداء باندازه
 شعاع شب و روز می باشد تا اینکه در سرتاسر جهان اثری از شرک نمی ماند،
 چنانکه خداوند بزرگ در این آیه فرموده است.^{۳۸}

(خواننده گرامی التفات دارند که این معنی جز در زمان قیام و حکومت
 والای مهدی تحقق پیدا نمی کند و امام باقر همین معنی را گوشزد میفرمایند.)

• متن حدیث با توجه به روایت های مختلف تغییر می کند و به نظر می رسد که امام (ع) ممزوجی از آیات شریفه ۳۶
 از سوره توبه و ۳۹ از انفال را بیان فرموده اند.

حدیث سی و چهارم

بیان امام صادق (علیه السلام) در عالمگیر بودن

حکومت حضرت مهدی (عج) و قتل کافران

وَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ . . .) قَالَ: وَ اللَّهُ مَا تَجِيئُ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ إِلَّا كِرَةً خُرُوجُهُ وَ لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا قُتِلَ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ قَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْشُرْنِي وَ اقْتُلُهُ.

ابی بصیر از سماعة از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کنند که در تفسیر آیه (هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق . . .) یعنی اوست کسیکه فرستاد رسول و پیامبر خود را با هدایت و دین حق تا بر همگی آنها (آن ادیان قبلی) پیروز گردد فرمودند: بخدا سوگند تأویل این آیه جز با قیام مهدی ما نخواهد بود. پس هنگامیکه آنحضرت خروج کند هیچ مشرکی نمی ماند مگر آنکه از قیام آنحضرت ناخشنود است و کافری در تمامی صفحه

ه این آیه با اندک اختلافی به همین مضمون در سه جا آمده است: ۱- سوره صف، آیه ۹، ۲- سوره توبه، آیه ۳۳، ۳- سوره فتح، آیه ۲۸. که در دوتای اول آخرین فراز (ولو کره المشرکون) می باشد و در سوره فتح عبارت «ولو کره المشرکون» را ندارد.

گیتی نمیماند مگر آنکه از فرا رسیدن قیامش دلگیر است، و بفرمان حضرتش تمامی کفار را می‌کشند و آنقدر عرصه بر دشمنان دین تنگ می‌شود که اگر کافری در شکم سنگی پنهان شود، آن صخره بامر خدا بزبان می‌آید و خطاب به یاران آنحضرت گوید: ای بنده خدا در شکم من کافری است مرا بشکن و این کافر را بکش!^{۳۹}

حدیث سی و پنجم

بشارت امام صادق (علیه السلام)

درباره اصحاب حضرت قائم (علیه السلام)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَهُ كَنْزٌ بِالطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ رَأَيْتُهُ لَمْ تَنْشُرْ مِنْذُ طُوَيْتْ وَ رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَّبُوهَا كَانَ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانُ يَتَمَسَّحُونَ بِسُرْجِ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتَةَ وَ يَحْفُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يُبَيِّتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثُّ بِالنَّهَارِ هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا كَالْمَصَابِيحُ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ الْقَنَادِيلُ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُسْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ < يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ > إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ

أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِزْوَلاً بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ .

امام صادق (علیه السلام) فرمودند برای مهدی ما گنج‌هایی است در طالقان که البته از طلا و نقره نیستند و برای آنحضرت پرچی است که از روزیکه پیچیده شده تاکنون باز نشده است و مردانی هستند که گویا قلبهای ایشان از آهن ساخته شده (کنایه از قدرت قلبی آنها در مقابل باطل است) آنقدر نیرومند هستند که اگر به کوهها حمله برند، آنها را از جای میکنند، قدرت پرچم آنها آنقدر زیاد است که بطرف هر قریه و شهری حمله کنند آنها را ویران میکنند، گوئی عقابانی تیزچنگ بر مرکب‌های خویش سوار شده‌اند و برای تبرک، بزین مرکب امام (علیه السلام) دست کشیده و برکت و استمداد می‌جویند و برای حفظ جان خود از او استفاده می‌کنند و بوسیله او آنچه بخواهند بدست می‌آورند مردانی هستند که شب نمی‌خوابند، هنگام نماز خواندن زمزمه‌ای همانند زمزمه زنبوران عسل دارند و با خداوند بزرگ راز و نیاز می‌کنند، شب را در حالی بسر می‌برند که به نماز برپای ایستاده‌اند و بروز هنگام، سوار بر مرکب‌هایی راهوارند، زاهدان شب و شیران روزند. اطاعت و فرمانبرداری ایشان از امام (علیه السلام) بسی بیشتر از فرمانبرداری کنیز نسبت به مولای خویش است. با جان خویش همچون حصاری از او حفاظت و نگهداری می‌کنند و هرچه را از ایشان بخواهد برایش انجام می‌دهند. همانند

چراغهای نورانی فروزانند، قلبهای آنان مانند شمعهای نورانی درون ایشان نور افشانی میکند و در شرم و هراس از خداوند بسیار ترسانند و مراقبند. به شهادت دعوت می کنند و خود طالب آن هستند. شعارشان این است: >> ای گیرندگان انتقام خون حسین (علیه السلام) << وقتی بسمتی حرکت می کنند در پیشاپیش آنها موجی از خوف و ترس باندازه پیمودن یک ماه راه حرکت می کند (طبعاً) دلهای مردمیکه در مسیر قرار میگیرند پراز خوف و ترس می شود. بوسیله این شخصیتهای بزرگ خداوند امام بحق یعنی حضرت بقیةالله (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را یاری می نماید!

حدیث سی و ششم

معراج و برنامه حکومت حضرت بقیة الله

ارواحنا لتراب مقدمه الفداء

عَنْ الْهَرَوِيِّ عَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ نُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّي وَ سَعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ فَإِنَّكَ نُورِي فِي عِبَادِي وَ رَسُولِي إِلَى خَلْقِي وَ حُجَّتِي عَلَى بَرِيَّتِي وَ لِمَنْ تَبِعَكَ خَلَقْتُ جَنَّتِي وَ لِمَنْ خَالَفَكَ خَلَقْتُ نَارِي وَ لِأَوْصِيَائِكَ أَوْجَبْتُ كَرَامَتِي وَ لِشَيْعَتِهِمْ أَوْجَبْتُ نُوَابِي، فَقُلْتُ يَا رَبِّ وَ مَنْ أَوْصِيَائِي فَنُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ

أَوْصِيَاؤُكَ الْمَكْتُوبُونَ عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَتَنظَرْتُ وَ أَنَا بَيْنَ يَدَي رَبِّي جَلَّ
 جَلَالُهُ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ فَرَأَيْتُ إِثْنَيْ عَشَرَ نُورًا فِي كُلِّ نُورٍ سَطْرٌ أَخْضَرُ عَلَيْهِ
 اسْمٌ وَصِيٍّ مِنْ أَوْصِيَائِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ ابْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِيُّ أُمَّتِي
 فَقُلْتُ يَا رَبِّ هُوَلاءِ أَوْصِيَائِي بَعْدِي؟ فَتَوَدَّيْتُ يَا مُحَمَّدُ هُوَلاءِ أَوْلِيَائِي وَ
 أَحِبَّائِي وَ أَصْفِيَائِي وَ حُجَجِي بَعْدَكَ عَلَى بَرِيَّتِي وَ هُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ وَ
 خَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأُظْهِرَنَّ بِهِمْ دِينِي وَ لِأُغْلِبَنَّ بِهِمْ
 كَلِمَتِي وَ لِأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ لِأُمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ
 مَغَارِبَهَا وَ لِأَسْخِرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ وَ لِأُذَلِّلَنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّغَابَ وَ لِأُرْقِيَنَّ فِي
 الْأَسْبَابِ وَ لِأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لِأَمْسُدَنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي وَ
 يَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَى تَوْجِيدِي ثُمَّ لِأَدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لِأُذَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

هروی از حضرت رضا (علیه السلام) و آنحضرت از آباء گرامیشان نقل می
 فرمایند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند وقتی باآسمان
 رفتم ندا بلند شد ای محمد عرض کردم لبیک و سعیدیک ای پروردگار من
 بزرگی و برتری از همه ، پس خطاب شد ای محمد تو بنده و فرستاده من هستی
 و من خدای توام پس مرا بندگی کن و تنها بر من توکل نما و امورت را بمن
 واگذار، بدرستی که تو نور من در میان بندگان منی (و بوسیله شما راهنمایی
 میشوند) و فرستاده من بسوی بندگانم هستی و حجت من بر بندگانم هستی

(بوسیله شما حجت را بر بندگانم تمام کردم) بهشت برای شما و پیروان شما آفریده شده است و جهنم را برای کسانی که با دستورات شما مخالفت نمایند آفریده‌ام کرامت و الطاف خاص خودم را بر اوصیاء شما واجب نمودم و ثواب خودم را بر شیعیان شما واجب کردم، پس عرض کردم خداوند اوصیاء من چه کسانی هستند، پس شنیدم که فرمودند، نامهای جانشینان شما بر ساق عرش نوشته شده است. پس در حالتیکه در پیشگاه خداوند ایستاده بودم نگاه به ساق عرش کردم پس دوازده نور دیدم در هر نوری که بر یک خط سبز بود اسم یکی از جانشینانم را نوشته دیدم، که اول آنها علی ابن ابیطالب (علیه السلام) بود، و آخرین آنها مهدی امت من بود (علیه السلام) عرض کردم، پروردگارا اینها بعد از من جانشینان من هستند؟ خطاب آمد، ای محمد اینها اولیاء و دوستان و برگزیدگان و حجت‌های منند بعد از شما و اینان جانشینان و اوصیاء و برترین بندگان منند بعد از شما، بعزت و جلال خودم قسم میخورم که بوسیله اینها دین خودم را ظاهر میکنم و کلمه مقدس توحید را بوسیله این نفوس مقدس در همه عالم بلند میکنم، و کره زمین را بوسیله آخرین آنها (حضرت قائم) (علیه السلام) از وجود دشمنانم پاک میکنم شرق و غرب عالم را تحت فرمان او قرار میدهم، بادهای و ابرهای بسیار سخت را در اختیار او قرار میدهم (ابرهای مرکبهای سواری آنحضرت خواهند بود) اسباب آسمانها در اختیار او قرار میدهم (علامه مجلسی میفرماید منظور راه‌های آسمانها و

کرات هستند که بر روی آنحضرت باز میشوند و برای خوب اداره کردن عالم از آنها استفاده میفرمایند) و البته او را بوسیله نیروهای خودم یاری میکنم و او را بوسیله ملائکه آسمان یاری میکنم تا اینکه دعوت بتوحید من در همه جا آشکار گردد و تمام مردم در زیر پرچم توحید جمع شوند سپس حکومتش را طولانی میکنم و روزگار فرمانروائی او ادامه پیدا می کند و این اقتدار و حکومت تا به هنگام قیامت در میان اولیاء و دوستانم دست بدست میگردد؛

(خواننده عزیز معلوم میشود حکومت امام عصر و آباء گرامیش تا قیامت

بطول می انجامد .) (اللهم عجل فرجه)

حدیث سی و هفتم

حدیث حضرت جواد الائمه بنقل از امیرالمؤمنین

در باره امام عصر ارواحنا فداه

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ ابْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هُوَ مُتَّكِيٌّ عَلَى يَدِ سَلْمَانَ، فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَجَلَسَ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ حَسَنُ الْهَيْئَةِ وَ اللَّبَاسِ فَسَلَّمَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ إِنْ أَخْبَرْتَنِي بِهِنَّ عَلِمْتُ أَنَّ الْقَوْمَ رَكِبُوا مِنْ أَمْرِكَ مَا قُضِيَ عَلَيْهِمْ وَ إِنْ لَيْسُوا بِمَأْمُونِينَ فِي دُنْيَا هُمْ وَ آخِرَتِهِمْ وَ إِنْ تَكُنْ الْآخِرَى

عَلِمْتُ أَنَّكَ وَهُمْ شَرُّ سِوَاءِ

فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، سَلْنِي عَمَّا بَدَاكَ ، قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ إِذَا نَامَ أَيْنَ تَذْهَبُ رُوحُهُ وَ عَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَذْكُرُ وَ يَنْسَى وَ عَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يُشْبَهُ وَ لَدُهُ الْأَعْمَامَ وَ الْأُخْوَالَ فَالْتَفَتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَجِبْهُ قَالَ فَأَجَابَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الرَّجُلُ < أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ > وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِذَلِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَ أَشَارَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّهُ وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَ أَشَارَ إِلَى الْحَسَنِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ ابْنَ عَلِيٍّ وَصِيَّ أَخِيهِ وَ الْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ بَعْدَهُ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ بَعْدَهُ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَشْهَدُ عَلَى جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ ابْنِ مُوسَى وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ ابْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ لَا يُكْتَى وَلَا يُسَمَّى حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ

الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ ثُمَّ قَامَ فَمَضَى فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا
 مُحَمَّدٍ اتَّبِعْهُ فَإِنظُرْ أَيَّنَ يَقْضِدُ فَخَرَجَ الْحَسَنُ ابْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ
 مَا كَانَ إِلَّا أَنْ وَضَعَ رِجْلَهُ خَارِجًا مِنَ الْمَسْجِدِ، فَمَا دَرَيْتُ أَيَّنَ أَخَذَ مِنْ
 أَرْضِ اللَّهِ فَرَجَعْتُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ فَقَالَ: يَا أَبَا
 مُحَمَّدٍ اتَّعَرَّفُهُ، قُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ قَالَ هُوَ الْخِضْرُ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ.

حضرت جواد الائمه علیه السلام فرمودند، امام امیرالمؤمنین در حالیکه
 حضرت امام حسن در خدمتشان بودند تشریف فرمای مسجدالحرام شدند و
 همانگونه که بدوش سلمان فارسی تکیه داده بودند در گوشه‌ای از مسجد
 نشستند، ناگهان مردی موقر و خوش لباس وارد شد و بامیرالمؤمنین سلام کرد
 و آن بزرگوار سلام را جواب فرمودند. پس آن مرد نزد امام نشست و عرض
 کرد، ای امیرالمؤمنین من از شما سه مسئله میپرسم و اگر پاسخ مرا فرمودید،
 خواهم دانست که این مردم در کار شما (مسئله خلافت) مرتکب خلاف
 شدند، که مسئول آن خودشان هستند و در دنیا و آخرت آسوده نخواهند بود.
 و اگر جواب مرا ندادی میدانم که شما با آنها برابری و امتیازی بر آنها
 نداری. حضرت امیر فرمودند هر چه میخواهی از من بپرس.

مرد تازه وارد عرض کرد سؤال اولم این است که: مردیکه میخواهد روحش

بکجا میرود.

دوم آنکه: یادآوری و فراموشی چگونه بمرد رخ میدهد.

سوم آنکه: چگونه فرزند بعموها یا به دائیهای خود شباهت پیدا میکند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام رو بفرزندش حضرت امام حسن علیه السلام کرد فرمود: فرزندانم جواب او را بده حضرت امام حسن، جواب هر سه سؤال را فرمودند، آنمرد عرض کرد: ای آقا شهادت میدهم که هیچ چیزی شایسته پرستش نیست جز ذات خداوند سبحان و پیوسته همین را شهادت میداده‌ام و گواهی میدهم که محمد فرستاده اوست و همیشه این شهادت را داده‌ام و گواهم که تو وصی خدا هستی و قائم بحجت او هستی و بامیرالمؤمنین اشاره فرمود، و گواهی میدهم که تو وصی او هستی و قائم بحجت او (و بامام حسن اشاره فرمود) و فرمودند که شهادت میدهم که حسین بن علی برادر خود را وصی میباشد و قائم بحجت اوست بعد از او. و گواهم که علی بن الحسین وصی و قائم بحجت امام حسین است بعد از آن حضرت و شهادت میدهم که محمد بن علی پس از پدرش وصی او و قائم بحجت او میباشد و گواهی میدهم که جعفر بن محمد پس از پدر خویش جانشین و قائم بحجت اوست.

و گواهم بر اینکه موسی بن جعفر پس از پدرش جانشین و قائم بحجت پدر میباشد و نیز شهادت میدهم که علی بن موسی جانشین و قائم بحجت پدر خویش بعد از وی میباشد و گواهی میدهم بر اینکه محمد بن علی پس از پدر

عہدہ دار جانشینی او و قائم بحجت اوست و گواہی میدہم کہ پس از وی علی بن محمد عہدہ دار جانشینی او و قائم بحجت پدر میباشد و نیز گواہم بر آنکہ حسن بن علی العسکری بعد از پدر جانشین و عہدہ دار قیام بحجت پدرشان در امر امامت هستند و شہادت میدہم بر >> مردی کہ او فرزند حسن بن علی العسکری >> است و بکنیہ و نام خواندہ، نمی شود تا آنکہ امر امامتش آشکار گردد و جہان را از عدالت پر کند، همانگونہ کہ از جور و ستم و خلاف پر شدہ باشد.

درود خداوند و رحمت و برکات او بر تو ای امیر مؤمنان و خاندانت باد!
پس از آن، آنمرد بلند شدہ از مسجد بیرون رفت.

امیرالمؤمنین بحضرت امام حسن فرمودند: بدنبالش برو و بین بکجا می رود. امام حسن علیہ السلام در پی وی بیرون آمدند و بہ مجرد خروج او از مسجد دیگر وی را ندیدند. حضرت مجتبی فرمودند کہ بنزد پدرم برگشتہ و جریان را بہ آن بزرگوار توضیح دادم. حضرتش فرمودند ای ابا محمد او را میشناسی گفتم، خدا و رسول وی و شما داناترید، فرمود: او خضر علیہ السلام بود.^{۴۲}

حدیث سی و ہشتم

بشارت حضرت جواد الائمہ

دربارہ قیام حضرت مہدی علیہ السلام

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا
 السَّلَامُ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ أَهْوَى الْمَهْدِيِّ أَوْ غَيْرِهِ فَأَبْتَدَأَنِي فَقَالَ
 « يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ
 يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَ
 خَصَّانَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ
 الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ
 اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُصَلِّحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ
 السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولُ نَبِيِّ نُمَّ قَالَ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ » ؛

از حضرت عبدالعظیم حسنی^{علیه السلام} نقل میکنند که فرمود مشرف شدم خدمت
 مولایم حضرت جواد الائمه علیه السلام و اراده کرده بودم که درباره «قائم» سؤال
 کنم که آیا همان «مهدی»^{علیه السلام} قائم می باشد یا اینکه کسی غیر از اوست؟ پس
 آنحضرت خود آهنگ سخن نموده فرمودند ای ابوالقاسم قائم ما آل محمد همان
 مهدی است که واجب است در زمان غیبت او انتظارش برند و بامید ظهورش
 باشند و در زمان ظهورش او را اطاعت و پیروی نمایند و مهدی سومین از
 فرزندان من است بآن خدائیکه حضرت محمد را برسالت برانگیخت و ما را
 مخصوص بامامت قرار داد، اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند
 آنقدر آنروز را طولانی فرماید تا اینکه او قیام کند و جهان را پر از عدل و داد

نماید، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و خدای متعال امر او را (قیامت را) در یک شب اصلاح میکند چنانچه امر نبوت حضرت موسی علیه السلام را اصلاح فرمود هنگامیکه آنحضرت بطرف کوه رفتند تا برای خانواده خویش آتشی روشن کنند پس برگشتند و حال آنکه پیامبر خدا بودند. سپس فرمودند بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج ما است. (یعنی انتظار ظهور مهدی علیه السلام)

حدیث سی و نهم

خبر دادن حضرت جواد الائمه و

طول غیبت آنحضرت و ارتداد مردم

عَنِ الصَّقْرِ ابْنِ أَبِي دُلْفٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ ابْنِ عَلِيِّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَقُولُ الْإِمَامُ بَعْدِي ابْنِي عَلِيُّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَ قَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَ طَاعَتُهُ طَاعَتُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَنِ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيدًا قَالَ إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنتَظَرُ فَقُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ سَمِيَ الْقَائِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ ارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ: لِمَ سَمِيَ الْمُنتَظَرُ قَالَ إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُرْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا

الْوَقَاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ .

از صقر بن ابی دلف نقل شده که از حضرت محمد بن علی الجواد علیه السلام شنیدم که فرمودند امام بعد از من فرزندم علی است امر او امر من است و فرمانبرداری از او اطاعت از من است و بعد از او امام بر مردم فرزندش حسن است امر او امر پدرش است و سخنانش ، سخنان پدر و کلماتش کلمات پدرش می باشد و فرمانبرداری از حسن اطاعت از پدرش می باشد سپس آقا ساکت شدند و دیگر چیزی نفرمودند من عرض کردم آقا امام بعد از حسن کیست ناگهان حضرت بشدت گریه کردند آنگاه فرمودند بعد از حسن فرزندش (قائم) است که بحق قیام می کند و او <<منتظر>> است عرض کردم یابن رسول الله چرا او را قائم می گویند فرمودند زیرا او هنگامی قیام می کند که نامی از او نیست و اکثر قائلین به امامتش مرتد می شوند و از دین خدا بیرون می روند عرض کردم چرا او را منتظر می گویند .

فرمودند چون از برای او غیبتی است بسیار طولانی پس بندگان با اخلاص خداوند منتظر ظهور او هستند و شک کنندگان وجودش را انکار میکنند و منکران یاد او را بمسخره و استهزاء میگیرند و عدهای درباره او و ظهورش دروغ گفته و تعیین وقت می کنند (آری کسی حق ندارد وقت ظهور و سال و ماه قیام را تعیین کند و باید او را تکذیب کرد) .

و آنهاییکه در امر قیام عجله می کنند هلاک خواهند شد و فقط نجات برای آن

افرادی است که تسلیم رضای خداوند و منتظر فرمان او هستند.^{۴۴}

حدیث چهلم

حضرت عسکری علیه السلام

و اهمیت شناخت امام عصر روحی له الفداء

عَنْ أَبِي عَلِيٍّ ابْنِ هَمَامٍ قَالَ سَمِعْتُ : مُحَمَّدَ ابْنَ الْعُثْمَانَ عَمْرَوِي قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ابْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً . فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ . فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يُحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يُهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَائِدُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَحَقَّقَ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ .

از ابی علی بن همام است که گفت شنیدم از جناب محمد بن عثمان عمری (که دومین نائب خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بودند) که : پدرم از امام حسن عسکری سؤال کردند (و من نیز حضور داشتم) که چه می فرمایند درباره حدیثی که از آباء و نیاکان گرامی حضرتت نقل شده، مبنی براینکه

زمین از حجت و نماینده خداوند خالی نخواهد بود تا روز قیامت و اینکه اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، همانند آن است که در زمان جاهلیت مرده باشد >> «یعنی بی‌دین از دنیا رفته است» >. حضرت فرمودند این مطلب حق است چنانکه وجود خورشید و روشنائی او قابل انکار نیست. پس عرض شد ای فرزند رسول خدا امام بعد از شما کیست فرمودند: فرزندم محمد است >> در این روایت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بنام اصلی امام عصر (علیه‌السلام) تصریح فرمودند >> که امام و حجت بر مردم می‌باشد، کسی که بمیرد و فرزندم را نشناسد، همانند زمان جاهلیت مرده است، آگاه باشید که برای او یک غیبتی خواهد بود که مردم نادان سرگردان خواهند بود و اهل باطل در آن زمان هلاک خواهند شد و آنهاییکه برای ظهورش وقتی تعیین می‌کنند دروغگو هستند. سپس قیام می‌کند.

گویا می‌بینم که در وادی نجف اشرف در وراء کوفه پرچمهای سفید رنگ بالای سر مبارکش در اهتزاز است.^{۴۵}

خواننده عزیز کتاب شریف >> «یوسف ناپیدای فاطمه (ص) در چهل حدیث» > با نقل یک روایت جامع از وجود مبارك حضرت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) پایان یافت امیدواریم همه افراد شیعه با بهره برداری از این کتاب مخصوصاً مضمون این حدیث پرفروغ به مفاد آن عبارت از شناختن امام عصر (روحی له الفداء) و اعتقاد کامل بولایت آن حضرت و رهائی از

سرگردانی با عافیت بظهور آنسرور نائل و خود را در شمار خدمتگزاران دولت
کریمه‌اش ببینیم و در طول غیبت آن بزرگوار که امیدواریم روزهای آخر مدت
آن باشد با عنایت و حمایت کامل آن وجود عزیز از نیروی صبر و استقامت و
در عین حال پیمودن راه بندگی برخوردار باشیم . آمین یا رب العالمین .

پی نویسیها

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.
۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.
۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۵.
۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۱.
۵. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۱.
۶. ینابیع المودة، ص ۴۲۲. مؤلف این اثر، حافظ سلیمان قندوزی است که از علمای اهل تسنن می باشد. وی این کتاب را در چشمه های محبت خاندان رسول گرامی (ص) نگاشته است.
۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۹-۷۸.
۸. منتخب الاثر، ص ۴۴۷.
۹. منتخب الاثر، ص ۲۰۰.
۱۰. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۶۴ و عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۵۸.
۱۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۱.
۱۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۸۱-۱۱۸۰.
۱۳. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۵۸.
۱۴. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۷۶۶-۷۶۵.
۱۵. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۷۵۵، خ ۲۲۹.
۱۶. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۴۷۰، خ ۱۵۲.
۱۷. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۲۹۶-۲۹۵، خ ۹۹.
۱۸. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۵۸-۵۶، خ ۹۲.
۱۹. نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۴۲۵-۴۲۴ و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۴۰.
۲۰. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۵۹۵، خ ۱۸۱.
۲۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.
۲۲. غیبت طوسی، ص ۲۷۴.
۲۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

٢٤. سورة توبه، آية ٣٦.
٢٥. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٤٠-١٣٩.
٢٦. الخرايج قطب راوندى، ص ٦٩٠.
٢٧. وسایل الشيعه، ج ٦ (كتاب الجهاد)، ص ٥، باب وجوبه على الكفاية مع القدرة عليه.
٢٨. منتخب الاثر، ص ٢٠٠.
٢٩. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٤٢.
٣٠. سورة السباء، آية ١٨.
٣١. سورة آل عمران، آية ٩٧.
٣٢. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٤.
٣٣. ينابيع المودة، ص ٤٢٢.
٣٤. منتخب الاثر، فصل ١٠، باب دوم، ص ٤٩٩، به نقل از كمال الدين صدوق، در حديثي از رسول خدا(ص).
٣٥. الملاحم والفتن، ص ٢٠٠.
٣٦. سورة يوسف، آية ٩٤.
٣٧. الخرايج راوندى، ص ٦٩٣.
٣٨. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٥٥ و كشف المحجة، ص ٩٦، رقم ٢٥ و ص ٧٨، رقم ٢١.
٣٩. ينابيع المودة، ص ٤٢٣.
٤٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٧-٣٠٨.
٤١. بحار الانوار ج ٥٢، ص ٣١٢.
٤٢. كافي، ج ٢، ص ٦٠٣ و كافي عربي، ج ١، كتاب الحجّة، ص ٥٢٦-٥٢٥، باب ماجاء في الاثمة الاثنى عشر والنص عليهم.
٤٣. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٥٦.
٤٤. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٥٨.
٤٥. بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٦٠.